

سرمقاله

مدیریت مصرف بهینه تسهیلات بانکی

علی نظافتیان پژوهشگر حقوق بانکی بانک مرکزی در بخشنامه تازه خود، استفاده حداکثری از منابع بانکی در طرح‌های مولد و سرمایه‌گذاری‌های جدید را یکی از برنامه‌های محوری سال ۱۴۰۴، اعلام کرده و گفته است: بانک‌ها موظف به طراحی، استقرار و به‌روزرسانی نظام کنترل‌های داخلی و ایجاد ساختار سازمانی مناسب و نظارت به منظور حصول اطمینان بر نحوه مصرف تسهیلات براساس سیاست‌های اقتصادی کشور هستند. حال پرسش آن است که بانک‌ها چگونه این سیاست جدید بانک مرکزی را اجرا کرده و بر مصرف بهینه تسهیلات بانکی، نظارت و مدیریت می‌کنند؟

موضوع ظاهرا ساده و آسان است. براساس سیاست‌های جدید بانک مرکزی، تسهیلات بانکی باید بیشتر به طرح‌های مولد و سرمایه‌گذاری‌های جدید اختصاص یابد تا از رهگذر این نوع بانکداری، چرخ‌های توسعه کشور به حرکت درآید، اما حصول بدین مقصود، چندان که می‌نماید، آسان نیست و تلاش بسیار نیاز دارد. بخشی از اجرای این سیاست به مرحله تخصیص تسهیلات برمی‌گردد و بخشی دیگر به مراحل پرداخت تسهیلات مصوب شده و...

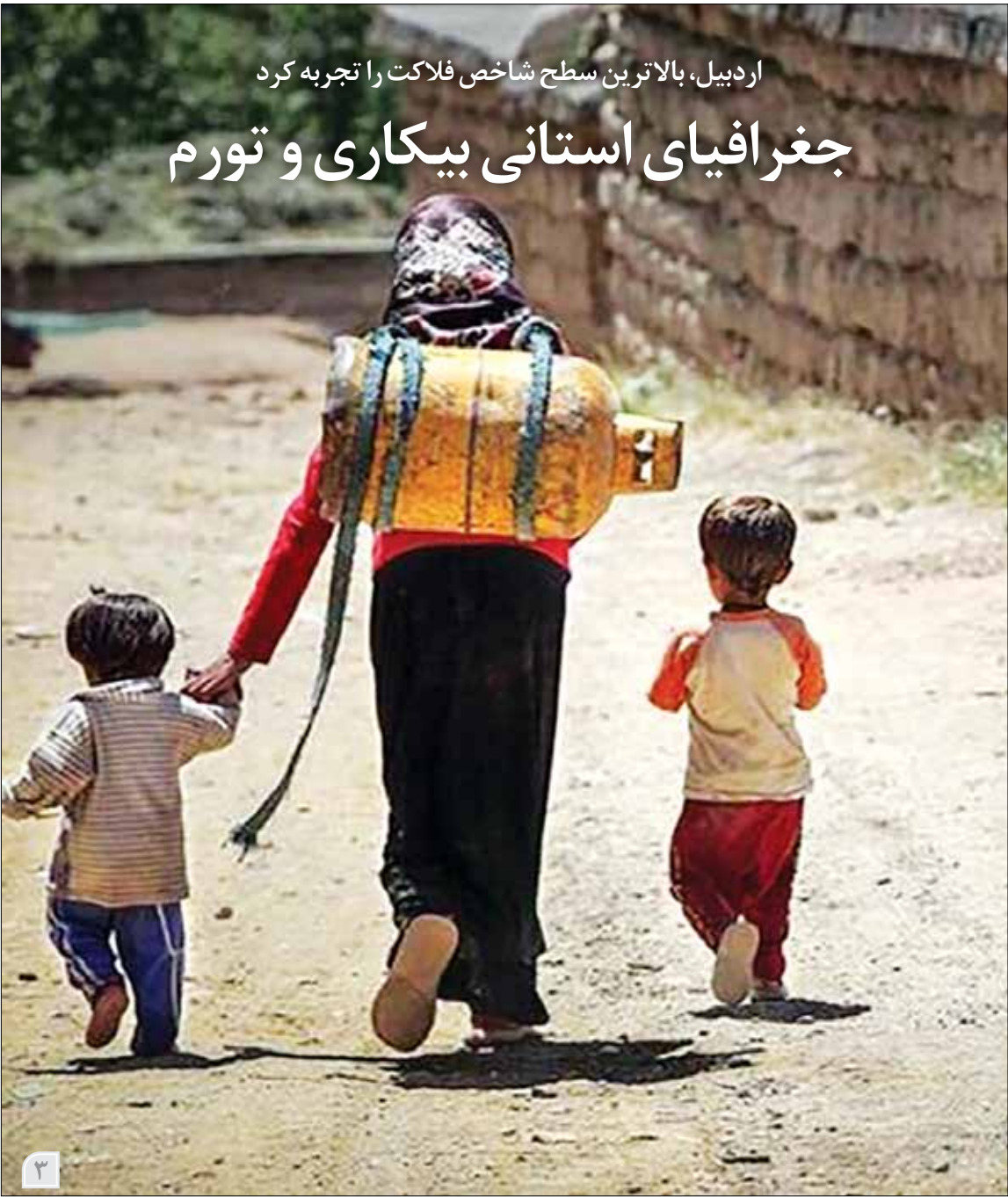
ادامه در همین صفحه

فرصت امروز

برای کسب وکار آفرینی

اردبیل، بالاترین سطح شاخص فلاکت را تجربه کرد

جغرافیای استانی بیکاری و تورم



نظارت سازمان یافته بانک‌ها بر اجرای طرح و مدیریت پرداخت تسهیلات (Moni-tored payment) متناسب با پیشرفت فیزیکی پروژه یا پروژه‌های موردنظر با رعایت جدول زمانی اجرای پروژه (Project implementation) timeline برمی‌گردد. گذشته از آن، به‌روزرسانی کنترل‌های داخلی و کنترل ریسک‌های عملیاتی نظارت موثر بر مصرف بهینه تسهیلات، امری ساده و آسان نیست و نیاز به کار کارشناسی فراوان دارد. در کلان موضوع، مدیریت بر مصرف بهینه تسهیلات بانکی و اطمینان از اینکه تسهیلات بانکی، درست در محلی که برای آن تصویب شده‌اند، مصرف شده و صرف خرید طلا و جواهر یا خرید ملک در داخل و خارج کشور نمی‌شوند، بایستی چگونه و براساس چه موانیزی صورت گیرد؟ این بحث را در دو بخش پی می‌گیرم.

بخش نخست: تخصیص تسهیلات فعلا از تخصیص تسهیلات بابت مصرف شخصی تسهیلات‌گیرنده، نظیر خرید مسکن یا تأمین هزینه‌های ضروری زندگی، سخن نمی‌گویم. به مشکلات ریز و درشت بانک‌ها برای پرداخت تسهیلات تکلیفی نیز ورود نمی‌کنم، اما باید توجه داشت که سرمایه‌گذاری و پرداخت تسهیلات برای پروژه‌های توسعه‌ای (اعم از تأسیس یا توسعه طرح)، جزئی از فعالیت همه بانک‌ها نیست، بلکه در این بخش، غلبه بر بانک‌های تخصصی و توسعه‌ای است که متأسفانه بعد از انقلاب، کشورمان فاقد بانک توسعه‌ای است اما در وضعیت فعلی، با اصرار اصلی بر دوش بانک صنعت و معدن است، تا زمانی که همانند قبل از انقلاب، بانک‌های توسعه‌ای دوباره در کشور متولد شوند یا آنکه بتوان از ظرفیت‌های فعلی بانک‌های تجاری در پیشبرد این مهم، بهره برد. بدین ترتیب، تخصیص تسهیلات برای سرمایه‌گذاری و تولید مولد به طور کامل در توان کارشناسی و ساختار سازمانی و موضوع فعالیت قانونی همه بانک‌ها نیست تا هر طور که خواستند تسهیلات دهی کنند. برعکس، تخصیص تسهیلات برای طرح‌های مولد، قواعد و فرایندهای ویژه خود را دارد و عوامل بسیاری در آن دخیل هستند. در این فرآیند، بانک بایستی طرح یا طرح‌های پیشنهادی برای سرمایه‌گذاری را از جهات مختلف، از جمله از جنبه مالی و فنی و بازار و ریسک عملیاتی، بررسی کند و دریابد طرحی که به بانک ارائه شده چه میزان سرمایه لازم دارد و آیا در طولانی‌مدت، بازده اقتصادی مطلوب خواهد داشت و همچنین تا چه میزان اشتغال آفرین خواهد بود و در مرحله شروع تولید (در طرح‌های تولیدی)، بازار کافی برای محصول تولیدی وجود خواهد داشت یا خیر؟

در این زمینه باید توجه داشت که سرمایه‌گذاری در طرح‌های مولد در بانک‌های خصوصی و غیردولتی یا بانک‌های دولتی، کمی متفاوت است. در بانک‌های غیردولتی و خصوصی معمولا از طرح‌های سرمایه‌گذاری زودبازده، بیشتر استقبال می‌شود تا طرح‌های طولانی‌مدت و دیربازده؛ زیرا بانک باید بتواند در کوتاه‌مدت به بازده اقتصادی مطلوب برسد و حداقل اصل و سود تسهیلات پرداخت شده به چرخه منابع تسهیلاتی

کامران ندری، کارشناس اقتصادی

وزارت اقتصاد، یکی از مهمترین نهادهای اجرایی کشور است که وظایف بسیار گسترده و متنوعی را برعهده دارد. بخشی از این وظایف، مربوط به اداره دارایی‌های دولت است. به همین دلیل، این وزارتخانه را معمولا با عنوان کامل «وزارت امور اقتصادی و دارایی» می‌شناسند. یکی از مأموریت‌های مهم این وزارتخانه، برگزاری مجامع شرکت‌های دولتی و نقش‌آفرینی در تعیین مدیران این شرکت‌هاست. بسیاری از شرکت‌های بزرگ، مانند بانک ملی و بانک سپه از زیرمجموعه‌های دولتی محسوب می‌شوند؛ برخی دیگر نیز نیمه‌دولتی هستند، مانند بانک ملت. وزیر اقتصاد در این حوزه، نقش بسیار کلیدی دارد؛ چه در انتخاب مدیران و چه در سیاستگذاری و تعیین تکلیف مالکیت این شرکت‌ها (ادامه فعالیت دولتی یا واگذاری). این مسئولیت با توجه به گستردگی و پیچیدگی آن، نیازمند توان مدیریتی بالا، تجربه کافی و قدرت چانه‌زنی موثر

بانک برگردد. بانک‌ها ناچار هستند در برابر سهامداران، سرمایه‌گذاران و سپرده‌گذاران مستقیمان پاسخگو باشند. البته بانک‌های دولتی و خصولتی نیز در برابر سپرده‌گذاران باید پاسخگو باشند، اما این بانک‌ها در عمل چاره‌ای ندارند جز آنکه از سیاست‌های ابلاغی دولت تبعیت کنند، ولو آنکه طرح و پروژه ارائه شده را اقتصادی تشخیص ندهند؛ زیرا آنان به هرحال منصوب دولت هستند.

بانک صنعت و معدن به‌عنوان یکی از بانک‌های تخصصی اما دولتی متولد شده در بعد از انقلاب که بنده افتخار خدمت در آن را داشته‌ام، تا قبل از دهه ۱۳۸۰، تسکلات کارشناسی مختص خود را داشت و مراحل ارزیابی و بررسی طرح به طور کامل توسط کارشناسان خبره و باتجربه بانک انجام می‌شد و نتیجه نهایی به کمیسیون تسهیلات ارائه می‌گشت، اما در دهه ۱۳۸۰ با ورود مدیران کشش ملی به بانک صنعت و معدن، این بانک برای بررسی طرح‌ها تغییر مسیر داد و ارزیابی طرح‌ها به موسسات و شرکت‌های متخصص در زمینه ارزیابی و بررسی طرح‌ها محول شد تا در این فرآیند بانکی، آنان نیز سهم باشند و نانی بخورند. انصافا نیز این امر در کلان موضوع، ضروری بود؛ زیرا با گسترش طرح‌ها، نیروی کارشناسی بانک، ظرفیت لازم برای انجام همه امور کارشناسی را نداشت. بنابراین با این روال به تدریج، بررسی و ارزیابی طرح در خارج از بانک صنعت و معدن نهادینه شد. واگذاری مسئولیت بررسی طرح‌ها به موسسات خارج از بانک اما تأثیری در وظایف قانونی بانک نداشت و مسئولیت نهایی قانونا همچنان برعهده بانک باقی خواهد ماند؛ زیرا آیین نامه اعطای تسهیلات در این مورد، گفته است: «اعطای تسهیلات توسط بانک‌ها باید به ترتیبی صورت گیرد که براساس پیش‌بینی‌های مربوط، اصل منابع تأمین شده برای این تسهیلات و همچنین سود مورد انتظار تحقق، در مدت معین قابل برگشت باشند.» بر این اساس، جزئیات کارشناسی همه این امور بایستی در گزارش ارزیابی و بررسی طرح آورده شود تا بانک بتواند با چشمان باز تصمیم بگیرد و سرمایه‌گذاری نماید. طبعاً بخشی از این تسهیلات دهی مولد و توسعه‌ای به سیاست‌های اقتصادی و صنعتی دولت برمی‌گردد. در بانک‌های دولتی و خصولتی به لحاظ مدیریت دولتی، الزامات پرداخت تسهیلات براساس سیاست‌های دولت پررنگ‌تر است؛ به عنوان مثال، اگر سیاست دولتی، تمرکز بر ساخت و تولید مسکن باشد طبعاً بانک‌های دولتی (همانند بانک مسکن) بایستی سیاست تسهیلاتی خود را براساس برنامه‌های دولت مدیریت کنند، ولو آنکه به بانک مرکزی، بدهکار و متهم به اضافه برداشت شوند. بنابراین تخصیص تسهیلات مولد و سرمایه‌گذاری در بانک‌های دولتی و خصولتی به طور کامل در اختیار بانک‌ها نیست. بر همین اساس، قاعده اصلی در پرداخت تسهیلات کلان صنعتی، آن است که:

۱-طرح از جهات مالی، فنی و بازار کاملا بررسی شده و با مسئولیت بانک توجیه‌پذیر باشد.

۲-برای پرداخت تسهیلات، تضامین و وثایق قابل‌انکا تعیین و از تسهیلات‌گیرنده

گرفته شود. از نظر فرآیند بانکی، نوع و میزان وثیقه هر نوع تسهیلات، برآمده از اعتبارسنجی مشتری است.

۳-مسئولیت قانونی بانک در زمینه تخصیص تسهیلات، اطمینان از برگشت اصل و سود تسهیلات مورد درخواست در موعد مقرر است. اگر بانک از بازگشت اصل و سود تسهیلات در موعد مقرر اطمینان نداشته باشد، پرداخت تسهیلات قانونی نخواهد بود، ولو آنکه بانک دولتی یا خصولتی باشد.

۴-متقاضیان تسهیلات کلان صنعتی یا سایر زمینه‌های توسعه‌ای باید از دانش و تجربه لازم برای اجرای پروژه برخوردار باشند.

پس از بررسی و ارزیابی طرح و تصویب مبلغ تسهیلات توسط کمیته اعتباری ذی‌ربط، زمان پرداخت تسهیلات مصوب فرا می‌رسد. برداشت عامه از پرداخت تسهیلات بانکی، آن است که پس از تصویب مبلغ تسهیلات بایستی یکجا به‌سبب تسهیلات‌گیرنده واریز شود، اما براساس قانون عملیات بانکی بدون ربا، این برداشت چندان صحیح نیست؛ زیرا براساس همین اصول و مبانی، در مواردی بانک ناچار است مبلغ تسهیلات را به جای تسهیلات دهنده به فردی دیگر پرداخت کند؛ مثلا در تسهیلات خرید مسکن، بانک بایستی مبلغ تسهیلات را به فروشنده و نه به تسهیلات‌گیرنده پرداخت کند. هرچند با ابداع مزایحه و کالتی به نوعی، پرداخت مستقیم مبلغ تسهیلات به تسهیلات‌گیرنده در این گونه موارد تا حدی توجیه شرعی و قانونی پیدا کرده است. ضرب المثلی در میان حقوقدانان وجود دارد که می‌گوید، صلح مادر تمام عقود است. شاید مزایحه و کالتی به لحاظ کاربرد بانکی نیز به عنوان مادر عقود تسهیلات بانکی تعیین شده باشد. براساس قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک در تسهیلات مشارکتی، شریک تسهیلات‌گیرنده محسوب می‌شود. شریک (بانک) نیز در تسهیلات مشارکتی بایستی از صفر تا صد بر اجرای صحیح موضوع مشارکت، نظارت داشته باشد. پس در سرمایه‌گذاری مولد همانند سایر مشارکت‌ها، پرداخت یکجا یا یی ضابطه تسهیلات مصوب، خطاست و بانک بایستی در این پروژه‌ها ابتدا از آورده شریک (تسهیلات‌گیرنده) به صورت نقدی یا ملک و ماشین‌آلات، اطمینان حاصل پیدا کند و سپس پرداخت تسهیلات مصوب را به صورت نظارت‌شده (Monitored payment) شروع و به تدریج پراخت‌های نظارت‌شده را ادامه دهد. به بیان بهتر، پرداخت تسهیلات در پروژه‌های سرمایه‌گذاری و طرح‌های توسعه‌ای متناسب با پیشرفت پروژه براساس گزارش ناظر ناظرین فنی بانک انجام خواهد شد. بنابراین در این گونه طرح‌ها، بانک بایستی نظارت فنی کامل داشته باشد تا پرداخت تسهیلات مصوب به تدریج و براساس پیشرفت پروژه انجام گیرد.

فرض کنید یک بانک تصمیم بگیرد در ساخت یک پالایشگاه مشارکت نماید. تحقق این پروژه، مراحل مختلف دارد که از مرحله طراحی و کسب مجوزهای قانونی، شروع و تا مرحله رسیدن به بهره‌برداری ادامه خواهد داشت. برای چنین پروژه عظیمی، بانک

چرایی ضرورت سیاستمداری وزیر اقتصاد

حقوق مردم را داشته باشند. او نباید صرفا ابزار دولت برای فشار مالیاتی بر مردم باشد، بلکه باید نقش تعدیل‌گر و ناظر منافع ملی را ایفا کند. سازمان مهم دیگر تحت نظارت این وزارتخانه، سازمان بورس است. بازار سرمایه باید یکی از ارکان تأمین مالی کشور باشد، اما متأسفانه در ایران، این بازار عمدتا به بازار سهام محدود شده و سایر بخش‌های آن، از جمله بازار بدهی، بسیار ضعیف باقی مانده‌اند. شرکت‌های خصوصی نیز به‌سختی می‌توانند از این بازار برای تأمین مالی استفاده کنند و بیشتر به شبکه بانکی متکی هستند. وزیر اقتصاد در این زمینه نیز باید آشنایی کامل با ابزارهای تأمین مالی نوین داشته باشد و بتواند سیاستگذاری‌های مؤثری در راستای توسعه بازار سرمایه انجام دهد. متأسفانه بازار سرمایه ایران در مقایسه با کشورهای هم‌سطح، مانند کشورهای حاشیه خلیج فارس یا ترکیه، عقب‌مانده است. البته این موضوع را باید با دقت و به دور از مواضع احساسی بیان کرد تا مسئولان نیز آن را بی‌پذیرند و

تقویت بورس در گرو اخبار مثبت مذاکرات، گزارش شرکت‌ها و آرامش گروه خودرو است

سه‌گانه نجات‌بخش بازار سرمایه

فرصت امروز: شاخص کل بورس تهران با ایستادن در ارتفاع ۳ میلیون و ۱۲۹ هزار واحد در پایان معاملات هفته گذشته، بازدهی مثبت ۰٫۶۸ درصدی را به ثبت رساند و شاخص هم‌وزن نیز با رشد ۱۰٫۳ درصدی به تراز ۹۶۴ هزار و ۷۴۱ واحد رسید. بازار سرمایه در هفته نخست خردادماه، عملکرد نسبتا بهتری نسبت به هفته پایانی اردیبهشت داشت، اما همچنان...

۴

۶۵ درصد بانک‌های ایران تجاری هستند

چندضلعی اصلاح نظام بانکداری

فرصت امروز: پژوهشکده امور اقتصادی در مطالعه‌ای به بررسی «اصلاح ساختار نظام بانکی کشور با رویکرد بانک‌داری خلق اعتبار محدود و بانکداری مشارکتی» پرداخته است. بازوی پژوهشی وزارت اقتصاد در این گزارش، دلیل اصلی مشکلات اقتصاد کلان (رشد سرسام‌آور نقدینگی، کاهش سرمایه‌گذاری، افزایش تورم و رکود اقتصادی) را به قدرت وام‌دهی بانک‌های تجاری در ایران نسبت داده و همچنین عامل اصلی بی‌ثباتی اقتصادی و رشد نقدینگی را شیوه کنونی اعتباردهی بانک‌ها دانسته است که البته این موضوع خود از مسیر نادرست سیاستگذاری اقتصادی در ایران ناشی می‌شود. از نگاه پژوهشکده امور اقتصادی، تأمین مالی از طریق سرمایه‌گذاری مبتنی بر سود و زیان واقعی می‌تواند ساختار بانکداری کشور را از حالت دستوری خارج کند و به سمت کارآمدی و ثبات سوق دهد و در نهایت با رفع ناترازی سیستم بانکی، اقتصاد کشور نیز از خلق نقدینگی بی‌پشتوانه رهایی یابد. با این وجود، الگوی بانکداری مشارکتی از نظر فنی و اجرا، کارایی بسیار محدودی دارد و تجربیات نشان می‌دهد...

۲

مردم هنوز تمایلی به معاملات نشان نمی‌دهند

کاهش قیمت طلا و سکه در ابتدای خرداد

۴

مدیریت و کسبوکار

حمایت از کارمندان: حلقه گمشده موفقیت کسب و کارها

در دنیای رقابتی کسب و کار که روز به روز پیچیده تر و بی ثبات تر می شود، حمایت از کارمندان دیگر یک گزینه لوکس یا انتخاب ثانویه نیست. امروزه کارمندان نقشی حیاتی در پایداری، نوآوری و کیفیت برندها دارند. در حقیقت برندهایی که تنها مشتری مداری را اصل قرار می دهند و چشم بر نیازهای کارکنان می بندند، در بلندمدت خود را از پایگاه اصلی ارزش آفرینی شان محروم می کنند. کارمندان نیازمند حمایتند، همان گونه که مشتریان به خدمات یا محصولات با کیفیت نیاز دارند، اما این حمایت دقیقا به چه معناست و چگونه می توان آن را در ساختار سازمانی نهادهید کرد؟ در بسیاری از سازمان ها مدیران و رهبران برند هنوز تصور می کنند انگیزه کارمندان صرفا به پاداش مالی یا ارتقای شغلی گره خورده است، اما حقیقت آن است که کارکنان بیش از هر چیز به احساس دیده و شنیده شدن و مهم بودن نیاز دارند. فقدان این مولفه های انسانی می تواند کارمندی را..

۸

نمی‌تواند به یکباره وارد گود شود و تمامی مبلغ تسهیلات تصویب شده را به حساب تسهیلات‌گیرنده واریز نماید. باید برای این پروژه، جدول پیشرفت زمانی (Project progress timeline) تعیین شود تا بانک مرحله‌به‌مرحله بر پیشرفت پروژه، نظارت مؤثر داشته و پرداخت تسهیلات مصوب شده را مدیریت نماید. این موضوع، یکی از اصولی‌ترین کارکردهای عملیات بانکی توسعه‌ای است. در بانک صنعت و معدن سابقا نظارت بر مصرف تسهیلات توسط مدیریت نظارت بر طرح صورت می‌گرفت.

نکته قابل توجه اینجاست که در هر صورت، پس از پرداخت تسهیلات و واریز مبلغ وام به حساب‌گیرنده تسهیلات، بانک‌ها عملا فاقد ابزارهای قانونی و ساختارهای کارشناسی لازم برای نظارت بر مصرف بهینه تسهیلات پرداخت‌شده هستند. بنابراین توقع از بانک‌ها برای نظارت بر مصرف بهینه تسهیلات پس از پرداخت آن، جز در مواردی بسیار محدود، توفعی خارج از توان کارشناسی و ظرفیت‌های قانونی بانک‌هاست. بنابراین در انجام این مهم باید به ظرفیت‌های قانونی و توان نظارت کارشناسی بانک‌ها نیز توجه داشت. به نظر می‌رسد در وضعیت موجود، هر نوع نظارت بانکی برای مصرف بهینه تسهیلات بانکی بایستی در مرحله تخصیص و پرداخت تسهیلات صورت گیرد؛ مثلا اگر پرداخت تسهیلات مشارکت مدنی برای خرید ماشین‌آلات کشاورزی بوده، در این صورت بانک در مرحله تخصیص تسهیلات بایستی بررسی می‌کرده است که آیا متقاضی در کارهای کشاورزی مشغول بوده یا آنکه فقط به شغل اغذیه‌فروشی اشتغال داشته است؛ چراکه اغذیه‌فروش، کشاورز نیست و شاید اساسا ماشین‌آلات کشاورزی خریده نشده و بانک هم شریک نشده باشد. پس تسهیلات کشاورزی و تسهیلات صنعتی بایستی به کشاورزان و صنعتگران پرداخت شود.

در همین زمینه، مدیریت کل نظارت بانکی بانک مرکزی اخیرا طی بخشنامه شماره ۵۶۷۱۸ مورخ ۱۴۰۲/۳/۰۴ درمورد وظایف و مسئولیت‌های بانک‌ها در نظارت بر مصرف بهینه تسهیلات بانکی و حداقل الزامات ناظر بر کنترل‌های داخلی موسسات اعتباری، نکاتی را به شبکه بانکی کشور یادآور شده و مقرر کرده است: «هيات مدیره موسسه اعتباری، موظف به طراحی، استقرار و به روزرسانی نظام کنترل‌های داخلی و ایجاد ساختار سازمانی مناسب و نظارت و بازبینی دوره‌ای آن به منظور حصول اطمینان از ارزیابی صحیح ریسک‌ها شده است.»

به‌رحال، ضمن آرزوی موفقیت برای مدیران محترم بانک‌ها در مدیریت بهینه مصرف تسهیلات بانکی، انتظار می‌رود آنان اقدامات لازم برای ارزیابی صحیح اقتصادی تسهیلات مورد تقاضا و مهمتر از آن، سنجش علمی ریسک‌های بانکی مرتبط بر پرداخت چنین تسهیلاتی، ساختارهای مناسب تسکیناتی و نیروی کارشناسی لازم بانک‌ها را فراهم آورند. یادآوری این نکته نیز ضروری است که همانند بخش اعطای تسهیلات، در بخش تعهدات و خدمات بانکی نیز چنین الزامات بانکی وجود دارد که در فرصتی دیگر بدان خواهیم پرداخت.

گامی در جهت اصلاح آن بردارند. علاوه بر این وظایف مهم، وزارت اقتصاد مأموریت‌های حیاتی دیگری نیز برعهده دارد، ازجمله بهبود فضای کسب‌وکار، مدیریت بدهی‌های دولت، هدایت خزانه‌داری کشور (اگرچه برنامه‌ریزی در سازمان برنامه‌بودجه انجام می‌شود، اما خزانه‌داری مسئول تخصیص و آزادسازی منابع است) و نظارت بر سیستم حسابداری و حسابرسی دولتی.

در مجموع، وزارت اقتصاد چه از نظر تخصصی و هم از نظر سیاسی، یکی از دشوارترین و حساس‌ترین وزارتخانه‌هاست. وزیر اقتصاد باید هم تسلط کافی بر دانش اقتصادی داشته باشد، هم توان مدیریتی بالا برای اداره ساختارهای پیچیده و هم درک سیاسی عمیق برای مقابله با فشارها و مداخلات بی‌رویه نهادهای مختلف. او باید سیاستمداری کارآزموده باشد تا به بازیچه جریانات سیاسی و منافع خاص تبدیل نشود در غیر این صورت، نمی‌تواند این وزارتخانه حیاتی را در مسیر صحیح، هدایت کند.

اگر نرخ بیکاری پایین آمده، پس بیکاران کجا رفته‌اند؟

نمود فر‌بندبه بیکاری عمومی

آخرین داده‌های مرکز آمار ایران، نشان از کاهش نرخ بیکاری دارد. این آمار اگرچه در ابتدای امر می‌تواند نشانه‌ای مثبت برای بازار کار باشد، اما با واقعیت‌های اقتصادی ایران همخوانی ندارد و این سؤال را مطرح می‌کند که اگر نرخ بیکاری پایین آمده، پس بیکاران کجا رفته‌اند؟! طبق گزارش مرکز آمار، نرخ بیکاری در پایان سال ۱۴۰۳ به ۷٫۶ درصد رسید و تعداد بیکاران کشور، ۲میلیون و ۲۹ هزار و ۵۴۴ نفر بوده که نسبت به سال ۱۴۰۲، نیم درصد کاهش را نشان می‌دهد. همزمان نرخ مشارکت اقتصادی نیز ۰٫۳ درصد کاهش یافته است. در پایان سال ۱۴۰۳ و از مجموع ۶۵ میلیون و ۳۳۸ هزار ایرانی که ۱۵ سال یا بیشتر سن داشتند، ۴۱ درصد آنها (۲۶ میلیون و ۸۱۸ هزار نفر) از نظر مشارکت اقتصادی، فعال بوده‌اند که این نرخ نسبت به سال گذشته، ۰٫۳ درصد کمتر شده است.

«حمید حاج‌اسماعیلی»، کارشناس بازار کار در همین خصوص به «خبرآنلاین» می‌گوید: «مسئله پایین بودن نرخ بیکاری، به خصوص در چند سال اخیر که کاهنده بوده، محل پرسش و نقد جدی است؛ زیرا با واقعیت‌های اقتصادی و جمعیتی همخوانی ندارد. ما همچنین در حوزه آمارگیری، مشکلاتی داریم. در بخش باران‌ها همچنان نواقص را می‌بینیم و آمار نفوس مسکن هم این نواقص را دارد. اینکه ما بعد از سال‌ها با وجود انتقاد به بحث‌های آماری، هنوز نتوانستیم نواقص را برطرف کنیم؛ واقعا یک مشکل بسیار جدی است و باید این مسئله را قبول کنیم که نقص آماری در همه بخش‌ها وجود دارد. موضوع دیگری که در همین راستا می‌شود مطرح کرد، روش‌های آمارگیری است که در بخش‌های تخصصی مطرح می‌شود. آن هم پایه محاسباتی که دارد، آمار نفوس و مسکن است. وقتی هم که آمار نفوس و مسکن دچار مشکلات اساسی و با خلأ همراه است، بنابراین آمارهای فنی در بخش‌های تخصصی با مشکل مواجه می‌شود، یعنی روش‌ها و شیوه‌ها پاسگو نخواهد بود. در بخش آمار اشتغال، دیدید که ما تاکید داریم از روش‌های استاندارد و بین‌المللی استفاده شود، ولی به لحاظ جانمایی و موقعیت و زیرساختی، شرایط بین‌المللی را نداریم و همین موضوع ایجاد انحراف می‌کند. به این معنا که ما به هر کسی که بگوییم درآمد داریم، آن را شاغل به حساب می‌آوریم یا اینکه فردی که دو ساعت در هفته کار می‌کند را شاغل به حساب می‌آوریم. حالا اینها بخشی‌اش، آمارها یا روش‌هایی است که در عرصه بین‌المللی هم مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما در ایران برای ما واقعا مشکلاتی را فراهم کرده و مورد انحراف شده است.»

او نرخ بیکاری را گول‌زننده می‌داند و اداامه می‌دهد: بحث پایین بودن نرخ بیکاری در کشور، نرخ بیکاری عمومی است؛ در حالی که در بخش‌های خاص جمعیتی، نرخ بیکاری بالا داریم. درست است که نرخ بیکاری عمومی ما ۷٫۶ درصد است، اما ما در بخش جوانان بالای ۲۴ درصد نرخ بیکاری داریم که چند سال است تداوم دارد. در بخش فارغ‌التحصیلان، نرخ بیکاری بالای داریم و بالاترین نرخ بیکاری مربوط به بخش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی است که بیش از ۴۰ درصد بیکاران ما را این گروه تشکیل می‌دهند. در بخش زنان هم نرخ بیکاری بالای داریم. پس ببینید ما در سه بخش جمعیتی که جویای کار هستند، نرخ بیکاری بسیار بالا و غیرقابل قبولی داریم. بنابراین آنچه که نرخ بیکاری پایین و کاهنده هست، در نرخ بیکاری عمومی است که نباید گول‌زننده باشد. ما در آن بخش‌های حساس و با انگیزه و متقاضی کار نتوانستیم مشکلات را برطرف کنیم.»

به گفته «حاج‌اسماعیلی»، مسئله بعدی، نرخ مشارکت اقتصادی است که در کشورمان بسیار پایین است. البته این هم دلایل متعدد و خاص خود را دارد. وقتی نرخ مشارکت اقتصادی پایین می‌آید، خودبه‌خود روی جمعیت فعال تاثیر دارد و جمعیت فعال را کوچک می‌کند و جمعیت فعال نمی‌تواند بزرگ شود. وقتی جمعیت فعال، رشد طبیعی ندارد و کوچک است، خب نرخ بیکاری و اشتغال هم از جمعیت فعال استخراج می‌شود و به همین نسبت، نرخ بیکاری نمی‌تواند افزایش پیدا کند، چون نرخ مشارکت پایین است. برای مثال، در بخش زنان، نرخ مشارکت اقتصادی حدود ۱۴ درصد است، اما مسئله بعدی که می‌خواهم به آن اشاره کنم، عدم انگیزه‌ای است که به دلایل متعدد برای ورود به بازار کار شکل گرفته است. این موضوع مهمی است که باعث می‌شود نرخ بیکاری عمومی به دلایل متعدد و از جنبه‌های متعدد، افزایش پیدا نکند یا کاهنده باشد. برای مثال، دلایل اجتماعی که در ایران در کنار مسائل اقتصادی اتفاق افتاد، باعث شد که خیلی از جوانان و فارغ‌التحصیلان، سودای مهاجرت در سر داشته باشند و دیگر انگیزه‌ای برای ورود به بازار کار ندارند. این بدان معنا نیست که نرخ بیکاری ما پایین آمده و توسعه اقتصادی ایجاد کردیم؛ به این معناست که فرار از بازار کار و عدم انگیزه و تمایل به بازار کار شکل گرفته است؛ به خصوص در جوانان و فارغ‌التحصیلان. خب به همین نسبت هم عوامل دیگر تاثیر داشته است؛ مثل اینکه وقتی تورم بالا باشد، دستمزدها به اندازه کافی افزایش پیدا نمی‌کند و افراد احساس می‌کنند که به بیکاری گرفته می‌شوند و مشکل‌شان برای چند ساعت کار حل نمی‌شود که بتوانند درآمد کافی داشته باشند که نیازهای شان را برطرف کند.

این کارشناس بازار کار، یادآور می‌شود: «این هم جزو عوامل مهمی است که باید عدم انگیزه برای ورود به بازار کار را از جنبه‌های مختلف بررسی کنیم. شما هم حتما شنیده‌اید که بخش‌هایی از کارفرمایان می‌گویند که ما کار گر می‌خواهیم، ولی کار گر وجود ندارد. علت این است که ما دستمزد کافی پرداخت نمی‌کنیم و شرایط کار را براساس استانداردها فراهم نمی‌کنیم و در عین حال، فرد انگیزه‌های لازم را برای ورود به بازار کار ندارد، ولی بیکار هست و تمایلی برای این کار ندارد. همه اینها جنبه‌هایی است که من به لحاظ زیرساخت آماری مطرح کردم، اما از جنبه‌های اقتصادی هم ما باید به این مسئله بپردازیم که نرخ بیکاری واقعا همخوانی ندارد. ما الان چند سال است که به دلیل تحریم‌ها دچار تورم و رکود هستیم. پس نرخ بیکاری چگونه پایین آمده است؟ مگر ما توسعه اقتصادی ایجاد کرده‌ایم؟ مگر برنامه اشتغال زایی خاصی داشتیم؟ چه طرح‌های مهمی در بخش‌های اقتصادی طی سال‌های اخیر اجرا شده که ما فکر کنیم نرخ بیکاری ما کاهش پیدا می‌کند؟ آیا سرمایه‌گذاری یا بودجه‌های عمرانی ما افزایش پیدا کرده است؟ برعکس، ما شاهد تقلیل سرمایه‌گذاری و بودجه‌های عمرانی بوده‌ایم. ما الان هزاران پروژه نیمه کاره داریم که به دلیل کمبود منابع اعتباری نمی‌توانیم اجرا کنیم؟ چگونه ما توانستیم ظرفیت اشتغال را بالا ببریم که باعث کاهش نرخ بیکاری شود؟ ما هم در بخش سرمایه‌گذاری داخلی به دلیل ریسک بالای سرمایه‌گذاری دچار مشکل بودیم و هم با نرخ تورم بالا، عدم تعامل اقتصادی با دنیا به دلیل تحریم‌ها روبه‌رو هستیم. در کنار آن، عدم جذب سرمایه‌گذاری خارجی را شاهد هستیم. پروژه‌های بزرگ معمولا با استفاده از فاینانس خارجی و سرمایه‌گذاری شرکت‌های بزرگ و مشارکت آنها شکل می‌گیرد و این موضوع روی اشتغال و نرخ بیکاری اثر می‌گذارد. همه اینها، تناقض‌هایی است که در نرخ بیکاری ۷٫۶ درصدی وجود دارد.»

۶۵ درصد بانک‌های ایران تجاری هستند

چندضلعی اصلاح نظام بانکداری



فرصت امروز: پژوهشکده امور اقتصادی در مطالعه‌ای به بررسی «اصلاح ساختار نظام بانکی کشور با رویکرد بانکداری خلق اعتبار محدود و بانکداری مشارکتی» پرداخته است. بازوی پژوهشی وزارت اقتصاد در این گزارش، دلیل اصلی مشکلات اقتصاد کلان (رشد سرسام‌آور نقدینگی، کاهش سرمایه‌گذاری، افزایش تورم و رکود اقتصادی) را به قدرت وام‌دهی بانک‌های تجاری در ایران نسبت داده و همچنین عامل اصلی بی‌ثباتی اقتصادی و رشد نقدینگی را شیوه کنونی اعتباردهی بانک‌ها دانسته است که البته این موضوع خود از مسیر نادرست سیاستگذاری اقتصادی در ایران ناشی می‌شود. از نگاه پژوهشکده امور اقتصادی، تأمین مالی از طریق سرمایه‌گذاری مبتنی بر سود و زیان واقعی می‌تواند ساختار بانکداری کشور را از حالت دستوری خارج کند و به سمت کارآمدی و ثبات سوق دهد و در نهایت با رفع ناترازی سیستم بانکی، اقتصاد کشور نیز از خلق نقدینگی بی‌پشتوانه رهایی یابد. با این وجود، الگوی بانکداری مشارکتی از نظر فنی و اجرایی بسیار محدودی دارد و تجربیات نشان می‌دهد که اجرای بانکداری مشارکتی به دلیل ریسک اطلاعات نامتقارن، ضعف زیرساخت حقوقی و نبود شفافیت مالی بنگاه‌ها عملا بسیار دشوار است. از آنجا که بانک‌ها به دلیل قدرت وام‌دهی در رشد و توسعه اقتصادی کشور، نقش مهم و بی‌بدیلی دارند، حتی برای استفاده از بانکداری براساس سود و زیان مشارکتی به عنوان بخش محدودی در سیستم بانکداری، این الگو نیازمند نظارت و شفافیت بالایی در مقام اجرا است.

۲ اهمیت وام‌دهی بانک‌های تجاری

وام دهی بانک های تجاری به دو دلیل از اثرگذاری بالایی در اقتصاد برخوردار است: نخست، از آنجا که با اعطای وام توسط بانک ها، پول جدید خلق می شود، بنابراین وام دهی بانک ها، مقدار کل پول در گردش اقتصاد را تحت تأثیر قرار می دهد. دوم، زمانی که بانک ها تصمیم می گیرند به چه کسی و برای چه اهدافی وام دهند، اولویت بندی می کنند که این پول تازه ایجادشده به کدام بخش های اقتصاد اختصاص داده شود. درنتیجه، تأثیر زیادی بر شکل و جهت آینده اقتصاد یک کشور دارند و بسیاری از چالش های اقتصادی و اجتماعی یک کشور با این دو تأثیر کلیدی وام دهی بانکی مرتبط است. در مجموع، ۳۱ بانک و موسسه اعتباری در نظام بانکداری ایران حضور دارند که ۱۷ مورد از آنها، بانک‌های تجاری خصوصی و سه مورد بانک‌های تجاری دولتی هستند. به عبارتی، ۶۵ درصد بانک‌های کشور تجاری هستند. با وجود اهمیت بانک‌های تجاری، کارشناسان از فقدان بانک‌های توسعه‌ای به عنوان پاشنه آشیل نظام بانکی کشور یاد می کنند.

در ایران آمار و ارقام هایی همچون تشکیل سرمایه ثابت ناخالص (با طی روندی کاهشی از ۱۶۹۶ ریال در سال ۱۳۹۰ به ۹۷۵ هزار میلیارد ریال در سال ۱۴۰۲) و تورم (با افزایش از ۲۲ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۴۷ درصد در سال ۱۴۰۱)، حاکی از آن است که سیستم بانکداری کشور در هر دو زمینه نتوانسته عملکرد رضایت بخشی را ارائه دهد؛ به طوری که انباشت سرمایه پایین و تورم بالا، به ویژه طی سال های اخیر، دو مشکل اصلی اقتصاد ایران بوده است. نقش بانک ها زمانی آشکارتر می شود که دقت شود متوسط خالص نقدینگی سالیانه ایجاد شده، به طور متوسط در دهه ۱۳۴۰ حدود ۱٫۸ هزار میلیارد ریال، در دهه ۱۳۷۰ حدود ۲۳ هزار میلیارد ریال، در دهه ۱۳۹۰ حدود ۳۱۸۱ و در دهه ۱۴۰۰ (متوسط سال های

۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲) حدود ۱۴۶۷۱ هزار میلیارد ریال بوده است. همچنین نقدینگی از ۳۵۴۳ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۹۰ به ۷۸۷۷۵ هزار میلیارد ریال در سال ۱۴۰۲ افزایش یافته است.

نقش حیاتی بانک ها در تأمین سرمایه

در این میان، آمار «بدهی بانک ها به بانک مرکزی» و نیز «سهیم شبه پول از نقدینگی»، گویای اثرگذاری بالای سیستم بانکی در حجم نقدینگی است. بانک ها از یکسو به جذب سپرده اقدام کرده و از سوی دیگر، با استفاده از منابع سپرده گذاری شده، اقدام به پرداخت سپرده کردند. وجود تفاوت های سررسیدی بین «پرداخت سود به سپرده گذاران یا خارج کردن سپرده توسط سپرده گذار از بانک» با «مدت زمان بازگشت اصل و فرع وام پرداخت شده»، همواره بانک را در معرض عدم توازن قرار می دهد؛ به ویژه آنکه بخشی از وام ها نیز همواره نکول می گردد. این ناترازی، موجب خلق نقدینگی و شکلگیری نرخ های بهره بالا و وابستگی بانک ها به اِسن نرخ های بهره را فراهم می سازد. اگرچه غالب راهکارها برای کنترل حجم نقدینگی و مشکلات ناشی از آن، براساس استفاده از ابزارهای در اختیار بانک مرکزی است اما پیشنهادهای مربوط به بانکداری ذخیره کامل نیز که در گذشته برای جلوگیری از بحران های مالی و اقتصادی از سوی برخی از اقتصاددانان مطرح شده است، راهکاری است که قادر است اختیار خلق پول توسط بانک های تجاری را حذف یا محدود نماید. بر همین اساس، پژوهشکده امور اقتصادی در این گزارش، نه با هدف پیشنهاد به اجرای این نوع بانکداری بلکه با هدف بهره‌برداری از بخش هایی از آنکه می تواند برای نظام بانکی کشور مفید باشد، الگوهای مختلف بانکداری ذخیره کامل را تشریح کرده و درنهایت با درک آن و نیز با در نظر گرفتن الگوی بانکداری مشارکتی، تلاش کرده است الگوی مناسبی جهت اصلاح نظام بانکی کشور پیشنهاد دهد. بر این اساس، «تفکیک دو کارکرد پول و اعتبار (تفکیک نظام های پرداخت از فعالیت وام دهی بانک ها) یا به عبارت دیگر، تفکیک بانک پولی از بانک سرمایه گذاری» و «فعالیت بانک سرمایه گذاری در قالب بانکداری مشارکتی، به گونه‌ای که منابع مورد نیاز بنگاه ها در ترجیحا از محل استخر نقدینگی موجود (و نه از طریق خلق اعتبار) تأمین و در قالب مشارکت و از طریق اوراق بدهی مبتنی بر مشارکت در سود و زیان (اوراق سرمایه گذاری) وارد پروژه ها شود»، پیشنهاد شده است.

الگوی پیشنهادی پژوهشکده امور اقتصادی

براساس الگوی پیشنهادی، بانک متناسب با نوع درخواست بنگاه های سرمایه پذیر (وام گیرنده در سیستم کنونی)، اوراق سرمایه گذاری مربوطه را در بازار اولیه منتشر می کند؛ بدین ترتیب سرمایه گذاران که در واقع همان سپرده گذاران سیستم بانکی کنونی هستند، برای اولین بار در بازار اولیه نسبت به خرید اوراق موردنظر خود اقدام می کنند؛ سرمایه گذاران قادر خواهند بود اوراق خود را قبل از سررسید در بازار ثانویه به قیمت روز، به دیگری واگذار نمایند و به فروش رسانند. اوراق سرمایه گذاری، بسته به نوع در دو دسته اوراق با درآمد متغیر (مبتنی بر سود و زیان مشارکت یا سهم مشارکت) و اوراق با درآمد ثابت جای می گیرند. در این الگوی پیشنهادی، بانک ها دیگر با مشکل وجود تفاوت های سررسیدی بین «پرداخت سود به سپرده گذاران یا خارج کردن سپرده توسط سپرده گذار از بانک» با «مدت زمان بازگشت اصل و فرع وام پرداخت شده» که همواره بانک را در معرض عدم توازن قرار

مطالعات پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی نشان می‌دهد

آسیب‌پذیری ۷۵ درصدی ساختمان‌های تهران

آسیب‌پذیر از دلایل اصلی آسیب‌پذیری ساختمان‌ها در ایران به شمار می‌روند. به گفته «وائقی»، از سال ۱۳۸۰ که دستورالعمل به‌سازی لرزه‌ای تدوین شد، ۳۰ درصد از مدارس و ساختمان‌های اداری آسیب‌پذیر کشور مقاوم‌سازی شده‌اند، اما بخش عمده ساختمان‌های مسکونی خصوصی تاکنون مقاوم‌سازی نشده‌اند. یکی از دلایل عملکرد ناموفق این برنامه، تداخل روش‌های مقاوم‌سازی مانند نصب دیوار برشی یا بادبند با کاربری ساختمان است؛ به‌ویژه در ساختمان‌های مسکونی که تخلیه آنها دشوار است. ژاپن نیز بعد از زلزله ۱۹۹۵، مقاوم‌سازی ساختمان‌ها در برابر زلزله را اجباری کرد و برای این منظور دولت مشوق‌هایی مانند بارانه ۵۰ درصدی، وام بلندمدت و معافیت مالیاتی برای مالکان را در نظر گرفت. مهم‌ترین عامل موفقیت ژاپن، توسعه روش‌هایی بود که بتوان بدون قطع کاربری ساختمان عملیات مقاوم‌سازی را انجام داد. نتیجه این اقدامات، مقرون به‌صرفه و قابل اجرا در حین بهره‌برداری باشیم، مانند اضافه‌کردن یک طبقه سبک روی ساختمان با عملکرد میراگر جرمی. در مجموع، ساختمان‌های کشور، به‌ویژه کلاشهرها، بسیار آسیب‌پذیرند و برنامه مقاوم‌سازی تاکنون موفق نبوده و می‌توان با ترکیب روش‌های کاربردی، مشوق‌های مالی، آموزش همگانی و قانون‌گذاری، آسیب‌پذیری لرزه‌ای ساختمان‌ها را به‌طور قابل توجهی کاهش داد.

می‌دهد، رویه رو نخواهند بود. همچنین با توجه به اینکه در این نوع اوراق، سود و زیان ناشی از فعالیت‌های اقتصادی بین سرمایه گذاران و بنگاه‌ها تقسیم می‌شود؛ بنابراین عملا نرخ بازده تولید جایگزین نرخ سود بانکی می‌شود. از آنجا که این اوراق براساس یک دارایی پایه یا پروژه واقعی طراحی می‌شوند لذا عملا از ایجاد بدهی‌های بدون پشتوانه جلوگیری می‌شود. با توجه به اینکه در چند سال اخیر، استفاده از سیاست خلق و هدایت اعتبار به عنوان راهکار پیشنهادی از سوی برخی از متخصصان پیشنهاد شده، این گزارش، مفید بودن به کارگیری این سیاست در اقتصاد ایران را مورد توجه قرار داده است. از آنجایی که در نگاه کینزی و نتوکییزی، پول دارای دو ویژگی اساسی «باداش نقدشوندگی» و «شباع‌ناپذیری پولی» است؛ می‌توان اثبات کرد که وجود این خواص باعث می‌شود اقتصاد در یک وضعیت عدم تعادل پایا، یا به عبارتی، در رکود مداوم پولی قرار گیرد. در چنین شرایطی، افزایش حجم پول قادر به کاهش نرخ بهره و متعاقبا افزایش سرمایه‌گذاری و رشد تولید نخواهد بود؛ بنابراین می‌توان پیش‌بینی کرد که سیاست هدایت اعتبار نیز چندان راهگشا نباشد.

وبترین سودهای دستوری در ایران

همچنین مدل سازی ریاضی این مطالعه نشان می‌دهد، حتی اگر خلق اعتبار و هدایت آن بتواند باعث افزایش تولید شود اما در عین حال، با افزایش سطح عمومی قیمت‌ها می‌توانند تأثیر منفی بر رفاه مصرف‌کننده داشته باشد؛ ضمن اینکه غلبه هزینه‌های ناشی از دریافت اعتبار بر منافع ناشی از آن نیز اثر منفی بر منفعت تولیدکننده دارد؛ حال آنکه در بانکداری مشارکتی، چنین مشکلاتی مطرح نیست. همچنین وجود خاصیت اشباع‌ناپذیری پولی، گویای آن است که با اعمال محدودیت بر رشد پول، عطف نگهداری آن افزایش می‌یابد؛ بنابراین لازم است با ابزارهایی، هزینه نگهداری پول را افزایش و از این طریق، تقاضاهای سفته‌بازی پول را کاهش داد. استفاده از ابزارهای دارای این قابلیت همچون مالیات گزنده، به منظور موفقیت بهتر الگوی بانکداری پیشنهادی، ضروری به نظر می‌رسد.

این الگوی پیشنهادی برای اصلاح نظام بانکی برای کشوری مثل ایران از این جهت مهم است که نرخ سود نه از طریق عرضه و تقاضای پول بلکه به صورت دستوری تعیین می‌شود و نرخ بهره کارکرد مناسب خود را از دست داده است. اگرچه متغیر نرخ بهره به عنوان ابزار در اختیار بانک مرکزی، از کارکرد مناسبی برخوردار نیست اما در موضوع ایجاد ناترازی در بانک‌ها و متعاقبا خلق پول بانکی و همچنین افزایش هزینه‌های تأمین مالی در سطح جامعه، نقش بالایی دارد. در میان متخصصان داخلی نیز (اگرچه همگان بر بالا بودن نرخ سود اذعان دارند) در رابطه با نحوه برخورد با نرخ بهره در شرایط کنونی و متعاقبا نحوه اثرگذاری آن، اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی، کاهش چشمگیر آن را توصیه و برخی بر خطرات این کاهش، تأکید دارند اما شاید بهترین راهکار، اتخاذ روشی باشد که بتواند «نرخ بازده تولید یا نرخ واقعی مشارکت در سود و زیان « را با «نرخ سود علی‌الحساب» پرداختی توسط سیستم بانکی، جایگزین نماید. موضوعی که اگرچه در بانکداری اسلامی نیز پیش‌بینی شده، اما به گفته کارشناسان، سیستم بانکی کشور نتوانسته در چارچوب چنین روشی حرکت کند و تجربه ۴۰ سال اخیر نشان می‌دهد که با چارچوب فعلی فعالیت بانک‌ها، دستیابی به آن میسر نیست.

اخبار

در پایان هفته نخست خردادماه

نرخ بهره بین بانکی افزایش یافت

براساس داده‌های بانک مرکزی در پایان هفته نخست خردادماه (منتهی به چهارشنبه هفتم خرداد)، نرخ بهره بین بانکی با افزایش ۰.۰۲ درصدی نسبت به هفته قبل به ۲۳.۹۷ درصد رسید. نرخ بهره در ابتدای امسال و اولین هفته فروردین ۲۳.۹۶ درصد بود و در پایان هفته دوم (فروردین) با کاهش ۰.۰۱ درصدی به ۳۲.۹۵ درصد رسید و در پایان هفته سوم در همان دامنه (۲۳.۹۵ درصد) ثابت و بدون تغییر ماند. در آخرین هفته فروردین نیز نرخ بهره بین بانکی با افزایش ۰.۰۱ درصدی به ۲۳.۹۶ درصد رسید و یک هفته پس از آن در سوم اردیبهشت ماه با جهش ۰.۰۲ درصدی به محدوده ۲۳.۹۸ درصد وارد شد. با این حال، طی سه هفته گذشته با کاهش ۰.۰۱ درصدی (در پایان هر هفته) در مجموع ۰.۰۳ کاهش یافت و در روز چهارشنبه ۲۱ اردیبهشت به ۲۳.۹۵ درصد رسید که در پایان هفته گذشته با افزایش ۰.۰۲ درصدی به ۲۳.۹۷ درصد رسید.

در آذرماه ۱۴۰۳، نرخ بهره بین بانکی به کانال ۲۳.۹ درصد وارد شد و از آن زمان تا امروز در همین محدوده و نزدیک به ۲۳ درصد متغیر است. البته این نرخ در دی و بهمن سال گذشته به ۲۳.۹۸ درصد رسید اما هیچ زمانی از مرز آن عبور نکرد و وارد کانال ۲۴ درصد نشد. با این حال، طی چند ماه اخیر، نرخ بهره بین بانکی به نزدیک‌ترین محدوده خود تا کانال ۲۴ درصد رسیده است. بازار بین بانکی، بازاری است که برای مبادلات مالی میان بانک‌ها و سایر مؤسسات اعتباری با یکدیگر و برای اعمال سیاست‌های پولی از سوی بانک مرکزی ایجاد شده است. این بازار عمق بسیار و معاملات پرجمعی دارد و برای کاهش اضافه برداشت بانک‌ها، کاهش استقراض بانک‌ها از بانک مرکزی، مدیریت صحیح نقدینگی از سوی بانک‌ها، کاهش یا افزایش نقدینگی کشور و کنترل تورم و ایجاد رشد اقتصادی ایجاد می‌شود. بازار بین بانکی، دو کاربرد مهم دارد؛ کاربرد نخست آن، کمک به بانک مرکزی برای اعمال سیاست‌های پولی و دوم، تامین مالی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و مالی از طریق یکدیگر است و بانک مرکزی از طریق تغییر نرخ سود در این بازار، نظارت و اهداف خود را مرتفع می‌کند. حجم معاملات در این بازار بسیار بالاست و اثر بسیاری بر نرخ سود دارد و نرخ سودی که بانک مرکزی به صورت هفتگی اعلام می‌کند، براساس میانگین موزون معاملات بین بانکی روزانه به دست می‌آید.

بازار بین بانکی در ایران از تیرماه ۱۳۸۷ رسماً شروع به کار کرد. نظارت کامل و تعیین نرخ سود بر این بازار به عهده بانک مرکزی است و بانک مرکزی در پایان هر هفته، نرخ بهره بین بانکی را در روز پنجشنبه (هر هفته) رسماً اعلام می‌کند. در پایان هفته گذشته همچنین حداقل نرخ توافق باخرید نیز همانند سال گذشته ۲۳ درصد، نرخ اعتبارگیری قاعده‌مند ۲۴ درصد و نرخ سپرده‌گذاری قاعده‌مند ۱۷ درصد به صورت ثابت اعلام شده است. در سال ۱۴۰۳، نرخ بهره بین بانکی در کانال ۲۳ درصد بود و آنچه که آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد، نرخ بهره بین بانکی در دو سال گذشته یعنی سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ در کانال ۲۳ درصد حفظ شده است، با این حال، نرخ بهره بین بانکی در سال ۱۴۰۱، دامنه‌های ۲۰.۳ تا ۲۳.۱ درصد را شاهد بود که بیشترین تغییر در نرخ بهره بین بانکی طی سال‌های گذشته را نشان می‌دهد.

نوسان بیت کوین در کانال ۱۰ هزار دلاری

تتر و ترون صدرنشین شدند

داده‌های شرکت تحلیلی «آرتمیس» نشان می‌دهد که رمزارز تتر و شبکه بلاک چین «ترون»، بر صنعت پرداخت رو به رشد سریع استیبل کوین تسلط دارند. گزارش «پرداخت‌های استیبل کوین از پایه» که با کمک شرکت‌های سرمایه‌گذاری «دراگون فلائی» و «کسل آیلند ونچرز» تهیه شده است، داده‌های ۳۱ شرکت پرداخت استیبل کوین را بررسی کرد و دریافت که «تتر» به عنوان بزرگ‌ترین استیبل کوین، ۹۰ درصد از حجم تراکنش‌های پرداخت را به خود اختصاص داده و پس از آن، یو اس دی کوین به‌ش عنوان دومین رمزارز بزرگ قرار دارد. ترون، شبکه تسویه ترجیحی حدود ۶۰ درصد از حجم را میزبانی می‌کرد و پس از آن اتریوم، بایننس و پالیگان قرار داشتند. حجم پرداخت استیبل کوین برمبنای سالانه در فوریه، به ۷۲.۳ میلیارد دلار رسید که انواع و بخش‌های مختلف پرداخت (BTC، PYX، PYB، کارت و وام) را پوشش می‌دهد.

استیبل کوین‌ها که عمدتا رمزارزهای وابسته به دلار آمریکا هستند، در ابتدا برای ذخیره راحت پول در زمان معامله رمزارزها استفاده می‌شدند، اما اکنون این ابزارهای مالی کم‌هزینه و با تسویه آنی، در حال بلعیدن پرداخت‌ها در سراسر بازار هستند و تخمین‌های خوش‌بینانه‌ای در مورد اندازه بالقوه این بازار از سسوی شرکت‌های بومی رمزارزها و بانک‌های بزرگ ارائه می‌شود. به گزارش وبسایت «کوین دسک»، جای تعجب است که سهم یو اس دی کوین با توجه به مشارکت شرکت سیرکل (Circle) در پرداخت‌ها و برنامه‌های اخیر برای معرفی شبکه پرداخت فرامرزی اختصاصی، زیاد نیست. «راب هادیک» شریک عمومی شرکت سرمایه‌گذاری «دراگون فلائی»، گفت: «سیرکل جایگزین‌های نامین جهانی، از بازارهای نوظهور به آمریکا یا از آمریکا به بازارهای نوظهور اتفاق می‌افتد. در بازارهایی مانند آرژانتین یا برزیل، مردم ممکن است نگران مسائلی مانند ورشکستگی بانک‌ها باشند و تتر به عنوان برند قابل اعتماد دیده می‌شود. علاوه بر این، شرکت‌هایی که از استیبل کوین‌ها برای پرداخت‌ها استفاده می‌کنند، نگرانی کمی در این مورد دارند که از کدام بلاک چین برای تسویه حساب استفاده می‌شود؛ ترون سریع و ارزان است و بیش از ۶۰ میلیارد دلار تتر در زنجیره وجود دارد، بنابراین منطقی است. اگر به آرژانتین یا برزیل بروید، مردم نمی‌گویند که می‌خواهند از استیبل کوین‌ها استفاده کنند، آنها می‌گویند که ما از تتر استفاده می‌کنیم. تتر، برندی است که با دسترسی به دلار آمریکا همه جا حاضر است.» گفتنی است در آخرین معاملات رمزارزها، ارزش بیت‌کوین به ۱۰۵ هزار و ۹۶۵ دلار رسید که نسبت به ۲۴ ساعت گذشته، افت ۱.۲۷ درصدی را نشان می‌دهد.

جغرافیای استانی بیکاری و تورم



که عنوان شد، مرکز آمار، گزارش نیروی کار سال ۱۴۰۳ را اعلام و نرخ

بیکاری استانی را در سال گذشته مشخص کرد. با قرارگیری آمار نرخ بیکاری و تورم سالانه استان‌ها در کنار یکدیگر می‌توان آنها را عامل تعیین کننده رفاه در استان‌ها دانست و از این طریق به شمایی کلی از رفاه در هر بخش از کشور دست یافت.
مختصات استانی این دو شاخص نشان می‌دهد که استان‌های اردبیل، خوزستان، لرستان، کردستان و گلستان، بالاترین سطوح بیکاری و تورم را در این سال تجربه کرده‌اند. برای مثال، استان اردبیل نرخ بیکاری معادل ۱۰.۸ و نرخ تورمی معادل ۲۴.۵ داشته که باعث شده بالاترین سطح شاخص فلاکت در این سال را نیز شکل دهد. از سوی دیگر شش استان یزد، آذربایجان شرقی، همدان، زنجان، بوشهر و چهارمحال و بختیاری، پایین‌ترین سطوح تورم و بیکاری را داشته‌اند. به طور کلی، اگر این دو شاخص را ملاکی از رفاه بگیریم، می‌توان گفت که وضعیت رفاهی در این استان‌ها، مناسب‌تر از سایر استان‌های کشور ارزیابی شده است. طبق آمارهای مرکز آمار ایران، سایر استان‌های کشور نیز یکی از دو سطح بالای بیکاری و تورم را تجربه کردند. براساس مختصات بیکاری و تورم، می‌توان گفت که استان‌های کرمانشاه و سیستان و بلوچستان، سطوح بالای بیکاری و سطوح پایین‌تری از تورم را داشته‌اند. مابقی استان‌ها که شامل ۱۸ استان کشور بوده، سطوح بالای تورم و سطوح پایین بیکاری را شاهد بوده‌اند.

بخش خدمات، بازار کار را قبضه کرد

بررسی داده‌های اشتغال سال ۱۴۰۳ نشان می‌دهد که سهم بخش خدمات از کل اشتغال کشور افزایش یافته؛ درحالی که سهم کشاورزی، روند نزولی خود را ادامه داده و به ۱۳.۹ درصد کاهش یافته است. به گزارش «کوایران»، بررسی ترکیب اشتغال در سال ۱۴۰۳ نشان می‌دهد که سهم بخش‌های مختلف اقتصادی از بازار کار با تغییرات خفیفی نسبت به سال قبل همراه بوده است. طبق جدیدترین گزارش مرکز آمار، در سال ۱۴۰۳ بخش خدمات بیشترین سهم از بازار اشتغال را به خود اختصاص داده و با سهم ۵۲.۷ درصدی از کل اشتغال، نسبت به سال قبل ۰.۸ واحد درصد رشد کرده است. این در حالی است که سهم اشتغال در بخش کشاورزی از ۱۴.۴ درصد در سال ۱۴۰۲ به حدود ۱۳.۹ درصد کاهش یافته و بخش صنعت نیز با کاهش جزئی از حدود ۲۳.۷ درصد به ۲۳.۳ درصد رسیده است. این تغییرات، هرچند محدود اما قابل‌توجه‌اند و می‌توانند از جابه‌جایی منابع انسانی در میان بخش‌ها یا تفاوت در نرخ رشد تولید و بهره‌وری، حکایت داشته باشند.

گرفتن وام ازدواج، سخت‌تر از ویزای کانادا است؟

جوانان پشت درهای بسته بانک مرکزی

حتی نمی‌توانیم وام خود را دریافت کنیم. آیا این واقعا تشویق است؟» متقاضی دیگر وام ازدواج می‌گوید: «از زمانی که عقد کردیم، فقط در جست وجوی وام هستیم. زندگی‌مان عملاً متوقف شده است. نه خانه‌ای خریدیم و نه خرید دیگری انجام دادیم. مدام می‌گویند صبر کنید، اما تا کی باید صبر کنیم؟!» برخی افراد هم می‌گویند: «ازدواج نکنید، زیرا بانک مرکزی وام نمی‌دهد!» هرچند این یک شوخی تلخ به حساب می‌آید، اما واقعیتی است که ده‌ها هزار نفر این روزها به وضوح مصائب آن را تجربه می‌کنند. به نظر می‌رسد ازدواج دشوار شده و دریافت وام برای ازدواج نیز سخت‌تر شده و نهایتاً زندگی پس از ازدواج از همه اینها دشوارتر شده است. در میان پیچ‌وخم‌های هفت‌خوان دریافت وام ازدواج، رئیس‌کل بانک مرکزی از اجرای آزمایشی طرحی جدید برای جوانان خبر داده است؛ طرحی که به‌جای وام نقدی، کارت رفاهی خرید کالای ایرانی را در اختیار متقاضیان قرار می‌دهد. این کارت‌ها، که با همکاری وزارت صمت و بانک مرکزی طراحی شده‌اند، تنها برای خرید از تولیدکنندگان داخلی معتبر قابل استفاده‌اند و هدف آن، تأمین مستقیم چیزیه به‌نوع‌وسان است. به گفته «محمدرضا فرزین»، نرخ سود این کارت‌ها «بسیار پایین» خواهد بود؛ ویژگی‌ای که می‌تواند آن را به گزینه‌ای جذاب برای زوج‌های جوان بدل کند. با این حال، هر سال وعده‌ها تازه می‌شوند، اما مشکلات جوانی همچنان باقی می‌ماند. بانک مرکزی می‌گوید منابع محدود است؛ وزارت اقتصاد می‌گوید مسئولیت با بانک‌هاست و بانک‌ها می‌گویند اعتبار وجود ندارد، اما هیچ‌کس نمی‌پرسد جوانی که یک سال است عقد کرده، چه زمانی می‌تواند وامش را دریافت کند، آیا وقتی فرزندش به دنیا آمد؟

وام ازدواج که قرار بود به عنوان مشوقی برای تشکیل خانواده عمل کند، اکنون به مانعی در مسیر ازدواج تبدیل شده است. وقتی دریافت این وام دشوارتر از گرفتن ویزای کانادا باشد، چه امیدی برای جوانان باقی می‌ماند؟ ممکن است به زودی جوانان برای ازدواج به کشورهای دیگر بروند، جایی که شاید وام وجود نداشته باشد، اما حداقل سیستم منظم‌تری دارد و خبری از صف‌های طولانی نیست. در حال حاضر

فرصت امروز؛ براساس داده‌های آماری سال گذشته، سهم خدمات از بازار اشتغال افزایش یافته و از سهم بخش کشاورزی کاسته شده است. به نظر می‌رسد کوچ نیروی کار از بخش کشاورزی، خدمات بازار کار را قبضه کرده است. همچنین بررسی جغرافیای استانی بیکاری و تورم، نشان می‌دهد که پنج استان اردبیل، خوزستان، لرستان، کردستان و گلستان، سطوح بالای بیکاری و تورم را تجربه کرده‌اند. بدین ترتیب از بین ۳۱ استان کشور، پنج استان با سطوح بالای بیکاری و تورم در سال ۱۴۰۳ مواجه شده‌اند و شش استان نیز وضعیت مساعدی را تجربه کرده‌اند. بقیه استان‌ها هم در یکی از دو شاخص بیکاری یا تورم، سطح بالایی را تجربه کرده‌اند و در صدر ایستاده‌اند.

با کنار هم قرار دادن آمار نرخ بیکاری و تورم سالانه استان‌ها می‌توان به شمایی از وضعیت رفاه در ایران رسید. براساس داده‌های مرکز آمار، مختصات استانی دو شاخص بیکاری و تورم، نشان می‌دهد که استان‌های اردبیل، خوزستان، لرستان، کردستان و گلستان، بالاترین سطوح این دو شاخص مهم اقتصادی را در سال گذشته تجربه کرده‌اند؛ کما اینکه اردبیل با نرخ بیکاری ۱۰.۸ درصد و نرخ تورم ۲۴.۵ درصد بالاترین سطح شاخص فلاکت سال گذشته را به خود اختصاص داده است. همچنین شش استان یزد، آذربایجان شرقی، همدان، زنجان، بوشهر و چهارمحال و بختیاری نیز پایین‌ترین سطوح تورم و بیکاری را داشته‌اند که طبیعتاً در شاخص فلاکت، وضعیت مطلوبی را تجربه کرده‌اند. به طور کلی، اگر دو شاخص بیکاری و تورم را ملاکی از وضعیت رفاه در نظر بگیریم، می‌توان گفت که وضعیت رفاهی در این استان‌ها، مناسب‌تر از سایر استان‌های کشور ارزیابی شده است.

۵ استان به بحران بیکاری و تورم

مختصات بیکاری و تورم استان‌ها نشان می‌دهد که پنج استان کشور، سطوح بالای بیکاری و تورم را در سال ۱۴۰۳ تجربه کرده‌اند. همچنین وضعیت شش استان در شاخص‌های بیکاری و تورم مساعد بوده است. مرکز آمار ایران در تازه‌ترین گزارش خود، وضعیت نیروی کار استان‌ها را در سال گذشته اعلام کرد. بر این اساس، مختصات بیکاری و تورم استانی در سال ۱۴۰۳ تکمیل شد. این مختصات نشان می‌دهد که وضعیت پنج استان اردبیل، خوزستان، لرستان، کردستان و گلستان در شاخص‌های بیکاری و تورم نامساعد بوده است. از سوی دیگر، بهترین وضعیت بیکاری و تورم در شش استان کشور رخ داده است. مابقی استان‌ها هم در یکی از دو شاخص بیکاری و تورم، سطوح بالایی را تجربه کرده‌اند. همانطور

جوانان می‌گویند که وام ازدواج وجود دارد، اما این موضوع شامل همه نمی‌شود؛ صف‌ها بسیار طولانی هستند، بانک‌ها با کمبود منابع مواجهند و تنها چیزی که به جلو می‌رود، سن جوانان است. طبق قانون بودجه سال ۱۴۰۴، مبلغ وام ازدواج برای هر یک از زوجین ۳۰۰ میلیون تومان تعیین شده است. همچنین برای زوج‌هایی که سن داماد زیر ۲۵ سال و سن عروس زیر ۲۳ سال باشد، مبلغ این وام به ۳۵۰ میلیون تومان افزایش می‌یابد. این وام با نرخ سود ۴ درصد و بازپرداخت ۱۰ ساله داده می‌شود و اقساط ماهیانه وام ۳۵۰ میلیون تومانی حدوداً ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان اعلام شده است. به گفته «مهدی صحابی» مدیرکل عملیات پولی و اعتباری بانک مرکزی، تا روز ۲۷ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴، مجموع پرداختی تسهیلات قرض‌الحسنه ازدواج و فرزندآوری به بیش از ۲۱۰۴ هزار میلیارد تومان رسیده است. این تسهیلات تاکنون به ۹۹ هزار و ۹۰۴ نفر پرداخت شده و ۵۱ هزار فقره، تسهیلات ازدواج به مبلغ ۱۷ هزار میلیارد تومان و ۴۴ هزار فقره، تسهیلات فرزندآوری به مبلغ ۴.۴ هزار میلیارد تومان پرداخت شده است که به ترتیب، رشد ۶۳ درصدی و ۲۶ درصدی را در این بازه زمانی نسبت به مدت مشابه سال گذشته نشان می‌دهد.

به گزارش «خبرآنلاین»، بسیاری از جوانان در پشت درهای بسته سامانه وام ازدواج مانده‌اند و به نظر می‌رسد نه در بانک‌ها باز می‌شود و نه نوبت‌ها پیش می‌رود. تنها چیزی که در حال پیشرفت است، سن ازدواج جوانان است. اگر تا دیروز، «خانه‌دار شدن» یک آرزوی دست‌نیافتنی بود، شاید امروز «گرفتن وام ازدواج» نیز به این لیست اضافه شده است. صف‌ها از تابستان‌های تهران طولانی‌تر شده‌اند، نوبت‌ها به آهستگی حُلزون پیش می‌روند و حسرت‌ها سنگین‌تر از قسط‌های معوقه شده‌اند. یک متقاضی در همین زمینه می‌گوید: «چند ماهی است که ثبت‌نام کرده‌ایم و هنوز نوبت‌مان نرسیده است. بانک می‌گوید که سهمیه‌ای نداریم و باید به بانک دیگری مراجعه کنیم، اما همه بانک‌ها یک پاسخ مشابه دارند: نیست، نداریم، بعداً ببایید!» یک متقاضی دیگر می‌افزاید: «همه جا از مشوق‌های ازدواج صحبت می‌شود، اما ما

تقویت بورس در گرو اخبار مثبت مذاکرات، گزارش شرکت ها و آرامش گروه خودرو است

سه گانه نجات بخش بازار سرمایه



حجم فروش و نرخ‌های ثبت‌شده، نشان‌دهنده روندی رو به جلو است. همین گزارش‌ها حاوی شده پول هوشمند که این روزها در اختیار نهادهای صندوق‌های با حق است، به سمت سهم‌هایی با پتانسیل آینده بهتر حرکت کند. همان‌طور که تجربه بازار در ماه‌های گذشته نشان داده، آغاز می‌شود. این‌ها سودهای معمولاً از زمان‌های اخیر و گزارش‌محور آغاز می‌شود و بعد به مرور، سایر گروه‌ها را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد. این‌بار هم به نظر می‌رسد همین روند در حال شکل‌گیری است.

خودرویی‌ها؛ زخمی که هنوز عفونت دارد

در بعد سوم و شاید مهمترین محرک روانی بازار، اخبار سیاسی و احتمال پیشرفت در مذاکرات هسته‌ای، جایگاه ویژه‌ای دارند. در حالی که مدت‌هاست بازار سناپیروی «عدم توافق» را پیش‌خور کرده و حتی به استقبال این رفته، حالا سیگنال‌های از احتمال یافتن موقت یا آغاز دور جدید مذاکرات با میانجی‌گری عمان به گوش می‌رسد. اگرچه هیچ قطعیتی درباره موفقیت این مذاکرات وجود ندارد، اما همین احتمال در روزی که مدتی است با ترس و تروید نفس می‌کشد، می‌تواند شوک بزرگ مثبتی ایجاد کند و روند خروج سرمایه را متوقف نماید. تحلیلگران معتقدند اگر توافق (ولو موقت) به سرانجام برسد، نه تنها دلار به ناعدل می‌رسد، بلکه هزینه سرمایه در کشور کاهش خواهد یافت و بسیاری از صنایع بورسی نیز از منظر تحریم و صادرات در وضعیت بهتری قرار خواهند گرفت. البته این فضا بسیار شکننده است و در صورتی که امیدها نقش بر آب شود، بار دیگر شاهد سنگینی جو خروج نقدینگی خواهیم بود. بنابراین بازار فعلا در وضعیت «دام‌شاه» به سر می‌برد و با هر خبری می‌تواند واکنش‌های تندی نشان دهد.

در این میان، ماجرای خودرو هنوز تمام نشده و مثل استخوانی لای زخم، مدام بازار را آزار می‌دهد. نامتنگاری‌ها، تأییدها و تکذیباها، به‌ویژه درباره عرضه‌های تولیدی و نحوه واگذاری‌ها، همچنان سرمایه‌گذاران را نگران کرده‌است. از زمانی که تکلیف این گروه تعیین نشود و تصمیم‌گیری اعلام نگردد، سایه ترس بر سر بازار باقی خواهد ماند. توصیه کارشناسان به نهادهای تصمیم‌گیر، آن است که اگر بنا بر عرضه است، با زمان‌بندی و شفافیت کامل پیش بروند و اگر نیست، این موضوع را هم به‌روشنی اعلام کنند تا از التهاب موجود کاسته شود. در مجموع، بازار سه‌شنبه‌ای می‌توان نقطه‌ای برای بازگشت تدریجی اعتماد تحلیل کرد، اما این اعتماد فقط با نظام‌گزارهای مطلوب، شفاف‌سازی در گروه‌ها و پیرایه‌ریک و البته حفظ فضای روانی مثبت سیاسی امکان‌پذیر است. در نهایت، بازار به‌صورت تاریخی نشان داده که برای رشد، نیاز به یک «حرکت بیرونی قوی» دارد. این محرک می‌تواند یک خبر مهم سیاسی، یک اتفاق اقتصادی بزرگ یا یک حرکت هماهنگ از سوی بازگران حقوقی باشد. اقشاری‌های خوب به‌تدریج مسیر را نشان می‌دهند اما نمی‌توانند ماشین بازار را روشن کنند. آن کلید روشن‌کننده هنوز در دستان خبره‌های سیاسی یا یک شوک بزرگ اقتصادی است. به‌همین دلیل است که فراوان حرف‌های بازار اکنون به ترکیبی از سه عامل آرام شدن جو روانی در گلو خودرو، تداوم انتشار گزارش‌های مثبت و دریافت خبرهای قابل اتکا از جبهه سیاسی چشم دوخته‌اند. ترکیبی که اگر با هم عمل کنند، می‌توانند نقطه آغاز یک دوره تازه و شاید سبز برای بورس تهران در تابستان پرچالش امسال باشد.

به گفته «باقری»، از منظر نرخ ارز نیز پیش‌بینی می‌شود قیمت دلار در محدوده ۸۰ تا ۸۲ هزار تومان در این هفته باقی بماند. در صورتی که نشانه‌هایی از توافق یا تفاهم موقت میان ایران و غرب منتشر شود، احتمال کاهش نرخ ارز وجود دارد که می‌تواند تاثیر مثبت بر گروه‌های رستایی مانند بانک‌ها و خودرویی‌ها داشته باشد. این در گروه از جمله صنایعی هستند که در صورت تقویت احتمال توافق، می‌توانند رشد قابل توجهی را تجربه کنند. در عین حال، کاهش شکاف میان نرخ دلار آزاد و دلار توافقی می‌تواند به نفع گروه‌های دلارایی نیز تمام شود؛ چراکه ثابت نرخ ارز و کاهش التهابات می‌تواند فضای کسب‌وکار شرکت‌های صادرات‌محور را بهبود بخشد و سودآوری آنها را افزایش دهد. در مجموع، در صورت تقویت اخبار مثبت از فضای سیاسی و ادامه کاهش فشار فروش، می‌توان امیدوار بود که بازار سرمایه در هفته پیش رو وارد روندی صعودی شود. با این حال، همچنان باید با دیدی محتاطانه و مدیریت ریسک به معاملات نگاه کرد؛ چراکه نوسان بازار داخلی در شرایط فعلی می‌تواند به سرعت و بدون هشدار تغییر دهد.

سه گانه بانکی ها، گزارش ها و سیاست

بازار به‌صورت تاریخی نشان داده که برای رشد به یک «محرك بېرونی» قوی» نیاز دارد. این محرك می‌تواند یک سبب مهم سیاسی، یک اتفاق اقتصادی بزرگ، یا یک حرکت هماهنگ از سوی بازیگران حقوقی باشد. گزارش‌های خوب به‌تنهایی مسیر را نشان می‌دهند، اما نمی‌توانند ماشین بازار را روشن کنند؛ آن کلید روشن‌کننده هنوز در دستان خبره‌های سیاسی یا یک شوک بزرگ اقتصادی است. بازار سرمایه طی معاملات هفته گذشته، شاهد بهبود نسبی روند معاملات بود و ترکیب سه‌گانه‌ای از عوامل اثرگذار نتوانستند فضا را از جو سنگین و سعی رویکرد گذشته، یک دور کرده و امیدواری‌هایی را به بدنه بازار تزریق کنند. این سه‌گانه را می‌توان شامل تحرکات بانکی‌ها، انتشار گزارش‌های ماهانه قوی و اخبار مثبت سیاسی دانست؛ سه نیرویی که اگرچه هر یک به تنهایی نمی‌توانند بازار را به مدار صعود قطعی برگردانند، اما در کنار هم بستر مناسبی برای رشد تدریجی و بازگشتی اعتماد فراهم کرده‌اند.

در معاملات هفته گذشته، به ویژه معاملات سه شنبه، بانکی‌ها بازیگر اصلی بودند. گروهی که با حجم بالای معاملات و موج ورود نقدینگی، توانست بار روانی سنگینی را روی شانه بازار برآورد. این جریان مثبت در بانکی‌ها در شرایطی رقم خورد که روزهای گذشته بسیاری از نمایاندهای بزرگ بازار یا درگیر صفهای فروش بودند یا در محدوده قیمتی کمپوزنسانی قرار داشتند. بدون تردید اگر رونق نسبی در بانکی‌ها اتفاق نمی‌افتاد، بار دیگر فشار فروش در گروه خودرو، می‌توانست کلبت بازار را به حاشیه ببرد، اما بانکی‌ها همان ناجی‌های بودند که اجازه ندادند اثر تشنگی خودرویی‌ها به سایر گروه‌ها هم سرایت کند. اما فقط بانکی‌ها نبودند که نقش ایفا کردند. گزارش‌ها ماهانه و ۱۲ ماهه شرکت‌ها به‌تدریج در حال انتشار هستند، سیگنال‌های قوی‌تری از بهبود وضعیت عملیاتی شرکت‌ها ارائه می‌دهند. در ادیبهشت‌ماه، بسیاری از شرکت‌ها به فروش‌هایی بهتر از میانگین چند ماهه خود دست یافته‌اند. این موضوع، به‌ویژه در صنایع نظیر غذایی، زراعی، نیروگاهی، دارویی و برخی به‌شماره‌های کوچک دیده می‌شود. بخشی عمده‌ای از این فروش خوب البته ناشی از تجمع موجودی فروش‌دین است، اما در هر صورت،

فرصت امروز: شاخص کل بورس تهران با ایستادن در ارتفاع ۳ میلیون ۱۶۹ هزار واحد در پایان معاملات هفته گذشته، بازدهی مثبت ۰٫۶۸ درصدی را به ثبت رساند و شاخص هم‌وزن نیز با رشد ۱،۰۳ درصدی به تراز ۹۶۴ هزار و ۷۱۱ واحد رسید. بازار سرمایه در هفته نخست خردادماه، عملکرد نسبتاً بهتری نسبت به هفته پایانی اردیبهشت داشت، اما همچنان نشانه‌های بازگشت کامل اعتماد به بازار دیده نمی‌شود. با وجود اینکه از شدت فشار فروش نسبت به هفته قبل کاسته شد و فضای منفی حاکم بر تالار شیشه‌ای اندکی تعدیل شد، اما همچنان تقاضای قوی در کلیت بازار شکل نگرفته و خبری از صف‌های خرید سنگین در نمادهای شاخص‌ساز نیست. به نظر می‌رسد بورس برای مدتی و فلال حرف‌های به ترکیبی از سه عامل آرام شدن فضای روانی گروه خودرو، تداوم انتشار گزارش‌های مثبت شرکت‌ها و دریافت خبرهای قابل اتکا و مثبت از مذاکرات ایران و آمریکا چشم دوخته‌اند. ترکیبی که اگر با هم عمل کنند، می‌توانند نقطه اوج را بدیده داشته باشند.

تهران: در تابستان پیرچالش ۱۴۰۴ دوره

دماسنج اصلی تالار شیشه‌ای در پایان معاملات روز چهارشنبه گذشته (۷ خرداد) در سطح ۳ میلیون و ۱۲۹ واحد ایستاد که بازدهی هفتگی ۰,۶۸ درصد در پنج روز معاملاتی هفته نخست خرداد را رقم زد و شاخص هموزن نیز با بیش از یک درصد رشد در تراز ۹۶۴ هزار و ۷۴۱ واحد خاکی گرفت. با وجود بازدهی مثبت نامزگاری بورس در این هفته میزان ورود پول حقیقی به بازار به ۴۶۰ میلیارد تومان رسید تا مجموع پارامترهای بازار سرمایه، نشان از وجود تعادل در مقیاس هفتگی دهند. در هفته پیش رو، پیش‌بینی می‌شود قیمت دلار در محدوده ۸۰ تا ۸۲ هزار تومان باقی‌ماند. البته در صورت سیگنال‌های مثبت از مذاکرات سیاسی، احتمال کاهش نرخ ارز وجود دارد که می‌تواند تأثیر مثبتی بر گروه‌های ریالی، مانند بانک‌ها و خودرویی‌ها داشته باشد.

تقویت بازار در گرو سیگنال مثبت سیاسی

هفته گذشته، بازار سرمایه عملکرد نسبتاً بهتری نسبت به هفته قبلی داشت، اما همچنان نشانه‌های بازگشت کامل اعتماد به بازار دیده نمی‌شود.

با وجود اینکه از شدت فشار فروش نسبت به هفته قبل کاسته شد و فضای مثبت حاکم بر بازار کمی تعدیل شد، اما همچنان تقاضای قوی در کلیت بازار شکل نگرفته و خبری از صف‌های خرید سنگین در نمادهای شاخص‌ساز نیست. در پنج روز معاملاتی هفته گذشته، شاخص کل بورس تهران ۰٫۶۸ درصد و شاخص هم‌وزن بیش از یک درصد رشد کردند. شاخص کل بورس در پایان هفته نخست خردادماه به سطح ۳ میلیون ۱۲۹ هزار واحد رسید و شاخص هم‌وزن نیز در تراز ۹۶۴ هزار و ۷۲۱ واحدی جای گرفت. میزان ورود پول حقیقی به بازار نیز ۴۶۰ میلیارد تومان بود. «امیر عباس باقری» کارشناس بازار سرمایه، پیوسته بورس را در گرو عوامل مثبت سیاسی، می‌داند و به «کوآبران» می‌گوید؛ یکی از مهمترین عواملی که باعث ایجاد احتیاط در میان معامله‌گران شده است، وجود ابهامات سیاسی و اقتصادی است که هنوز برطرف نشده‌اند. البته خبرهای غیررسمی، حاکی از آن است که احتمال دارد در هفته پیش رو، گشایش‌هایی در روابط بین ایران و ایالات متحده رخ دهد. اگر چنین اتفاقی بیفتد، می‌تواند به عنوان یک محرک قوی باعث تغییر مسیر بازار و ایجاد جری خون مثبت در بورس شود.


[خبرنامه](#)

قیمت هر بشکه نفت برنت ۶۳ دلار شد
تمام حجت قزاقستان با او یک

قیمت نفت در معاملات روز جمعه، تحت تاثیر انتظارات برای افزایش تولید اوپیک پلاس در ماه ژوئیه و حکم دادگاه امریکایی برای احیای تعرفه‌های دولت ترامپ، کاهش یافت و در مسیر دومین کاهش هفتگی متوالی قرار گرفت. قیمت هر بشکه نفت برنت با ۰۲۸ سنت معادل ۰۴۸ دلار، در کاهش ۶۳ سنتی به ۸۴ و ۸۴ سنت و نفت وست تگزاس اینترمدیات ۰۴۸ دلار، ۳۱ سنت معادل ۰۵۱ دلار، در کاهش به ۶۰ دلار و ۶۳ سنت رسید. قرارداد ژوئیه معاملات نفت برنت، روز جمعه منقضي می‌شود. هر دو شاخص در هفته جاری تاکنون، ۱۵ درصد کاهش یافته‌اند. کاهش قیمت نفت، تحت تاثیر چشم‌انداز افزایش عرضه ارض، زیر سرمایه‌گذاران انتظار دارند هشت عضو اوپیک پلاس در نشست روز شنبه خود، روی دیگری از افزایش تولید نفت با توافق برسان عمل نکنند. تحلیلگران بانک یکی می‌موران برای یادداشتی نوشتند: افزایش احتمالی تولید اوپیک پلاس در حالی روی می‌دهد که مازاد تولید جهانی به ۲۲ میلیون بشکه در روز افزایش یافته و احتمالاً نیاز به تعدیل قیمت برای واکنش طرف عرضه و بازگشت به تعادل دارد. این تحلیلگران انتظار دارند که قیمت نفت قبل از کاهش به زیر ۰۴۰ دلار تا پایان سال، محدودده فاعلی باقی بماند.

در آمریکا، تعرفه‌های دولت ترامپ پس از آنکه دادگاه تجدیدنظر فدرال به طور موقت آنها را در روز پنجشنبه بازرگاند و تصمیم در روز چهارشنبه دادگاه تجارت برای مسدود کردن فوری آنها را لغو کرد، همچنان به قوت خود باقی می‌ماند. این حکم باعث شد قیمت نفت در روز پنجشنبه به بیش از یک درصد کاهش یابد. تحلیلگران گفتند که با ادامه جنگ تعرفه‌ها، عدم اطمینان باقی خواهد ماند. قیمت نفت از زمان اعلام تعرفه‌های ترامپ در روز آزادی در دوم آوریل، بیش از ۱۰ درصد کاهش یافته است. در بخش تقاضای انرژی، این‌ها مربوط به رکود ناشی از جنگ تعرفه‌ها، چشم‌انداز را مبهم کرده است. و واشنگتن در اقدامی که بر تنش تجاری با چین افزوده، به گروه وسیعی از شرکت‌ها دستور داد ارسال کالاها از جمله اتان و بوتان را بدون مجوز به چین متوقف کنند و مجوزهای را که پیش از این به تأمین‌کنندگان خاصی اعطا شده بود لغو کرد. به گزارش «رویترز»، تحلیلگران به پی‌موران معتقدند تقاضای جهانی برای نفت نسبت به هفته گذشته، بهبود یافته که به نوبت تأثیر افزایش مصرف نفت آمریکا با سفرهای زیاد در تعطیلات یابد. یو. پی. به گفته آنها، رشد ماهانه تقاضای جهانی برای نفت تقریباً ۲۰۰ هزار بشکه در روز تا ۲۸ مه بود که ۲۵۰ هزار بشکه کمتر از رقم پیش‌بینی شده بود. در همین حال، خبرگزاری اینترفاکس روسیه به نقل از معاون وزیر انرژی قزاقستان، خبر داد که قزاقستان به اوپک اضافه کرده که قصد کاهش تولید نفت خود را ندارد. علی‌گاموف گفت: ما قبلاً به اوپک گفته‌ایم که قصد کاهش تولید نداریم و با ظرفیت خود، نفت تولید خواهیم کرد. «[ان اکژونوف] وزیر انرژی قزاقستان، روز پنجشنبه گفت: قیمت نفت بالای ۲۰ تا ۲۵ دلار در هر بشکه، احتمالاً برای همه کشورها مناسب است. او انتقادهای مربوط به تولید نفت قزاقستان را که بیش از سهمیه‌های تعیین شده توسط گروه اوپک پلاس، به دلیل تولید نسبت کم این کشور تعیین شده بود، رد کرد.

برخی از اعضای این گروه از تولید بیش از حد قزاقستان شکایت کرده‌اند. تحلیلگران و منابع صنعتی همچنین از تولید بیش از حد نفت قزاقستان یاد می‌کنند. به عنوان یکی از دلایل تصمیم ای پلاس برای تسریع افزایش تولید یاد کرده‌اند. «کنژنکو» که در مارس وزارت انرژی قزاقستان را برعهده گرفت، سیاست تعرفه‌ای آمریکا را دلیلی برای نوسانات در بازارهای جهانی انرژی عنوان کرد. به گفته یک منبع صنعتی که مایل نبود نامش فاش شود، تولید نفت قزاقستان بدون احتساب معیانات گازی از اول تا ۱۹ ماه به ما، به طور متوسط ۱.۸۶ میلیون بشکه در روز بود که شامل ۹۳۲ هزار بشکه در روز تولید میدان تنگیز بود.

خورشید در خدمت کشاورزی
برق رایگان در قبال تولید پاک

در شرایطی که ناترازی انرژی، تأمین برق چاههای کشاورزی را با چالش مواجه کرده، برنامه‌ای مشترک میان وزارت نیرو و جهاد کشاورزی در حال اجراست تا تجهیزات چاهها به انرژی خورشیدی، کشاورزان را خاموشی‌های دوره اوج مصرف معاف و از رایگان و حتی فروش انرژی مزاد بهرمنند شوند. به گزارش «پستنا»، با افزایش مصرف برق در ایام گرم سال، خاموشی‌های برنامه‌ریزی شده به یکی از راهکارهای مدیریت مصرف در کشور تبدیل شده است. یکی از بخش‌هایی که همواره تحت تأثیر این خاموشی‌ها قرار می‌گیرد، بخش کشاورزی است که وابستگی زیادی به تأمین برق برای چاه‌های دارد. اما کاهش آسیب به تولید محصولات کشاورزی، طرح‌هایی برای هماهنگی بین همیان وزارت نیرو و وزارت جهاد کشاورزی در حال اجراست. طبق اعلام مقامات شرکت توانیر، مطابق روال هر ساله، برق چاههای کشاورزی در ساعات اوج مصرف به مدت پنج ساعت محدود می‌شود اما در دیگر ساعات، شبانه‌روز، مصرف برق کشاورزان به‌طور کامل رایگان خواهد بود. این سیاست، با هدف کاهش فشار بر شبکه برق و در عین حال حمایت از فعالیت‌های کشاورزی اجرا می‌شود.

در کنار این سیاست حمایتی، یک مشوق تازه نیز برای کشاورزان در نظر گرفته شده است. مطابق مصوبه‌ای که اخیراً ابلاغ شده، در صورتی که کشاورزان با رعایت ضوابط پروانه بهره‌برداری، نیروگاه خورشیدی با ظرفیت ۸۰ درصد مصرف برق چاه خود احداث کنند، نه تنها از محدودیت‌های زمان آب‌اند مصرف معاف خواهند شد، بلکه به‌تازگی مزاد تولیدی‌شان نیز می‌تواند در بورس انرژی به فروش برسد. این تحول در سیاست‌گذاری، حاصل همکاری نزدیک وزارت نیرو و وزارت جهاد کشاورزی است. معاون اقتصادی این وزارتخانه تأکید کرده که طی سه سال آینده، همه چاه‌های کشاورزی که امکان استفاده از انرژی خورشیدی دارند، به این سیستم‌ها مجهز خواهند شد. بدین ترتیب، کشاورزان می‌توانند به استقلال انرژی دست یابند و وابستگی خود به شبکه برق سراسری را کاهش دهند.

در همیس راستا، ساختمان‌های اداری و واحدهای تولیدی کشاورزی نیز به پرتلهای خورشیدی تجزیه می‌شوند. وزارت جهاد کشاورزی اعلام کرده که برای تحقق این هدف، در حال راه‌اندازی تأمین منابع مالی لازم از محل تسهیلات بانکی و کفایت‌های فنی و اعتباری است تا کشاورزان بتوانند با سرمایه‌گذاری در انرژی‌های نو، بادهای خود را افزایش دهند. افزایش بهره‌وری تنها از طریق فناوری میسر نمی‌شود و نیازمند مدیریت، آموزش، فرهنگ‌سازی و مشارکت فعال کشاورزان است. در نهایت، کارشناسان بر این باورند که گذار تدریجی کشاورزی به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر، نه تنها به پایداری تولید کمک می‌کند، بلکه فشار بر شبکه برق کشور را نیز کاهش می‌دهد. این مسیر با تأمین مالی مناسب و سیاست‌های تشویقی ادامه دارد، اما به آینده‌ای امیدوار بود. که در آن خاموشی‌ها دیگر مزاحم رشد کشاورزی نخواهند بود.

متأسفانه نمایشگاه‌های دیگر در کشور گاه به شکلی نمایشی و غیرفنی اجرا می‌شوند. در حاشیه این نمایشگاه برای نخستین بار همایش طراحی در صنعت طلا برگزار شد که با حضور داوران داخلی و بین‌المللی همراه بود. این رویداد، به نفع فزاینده برای صنعت طلا، جوایزی اهدا شد. همچنین طرحی فاخر توسط یکی از اساتید دانشگاه علمی-کاربردی انتخابید طلا، جواهر، فخر و سهک تهران، به همراه هفت دانشجو ارائه شد. این تیم طی ۱۴ روز، ۱۳ اثر تاریخی اصفهان از جمله سی‌وسه‌پل، عالی‌قاپو و چهل‌ستون را با نقره و طلا به‌صورت نمادین بر روی یک نیم‌کره طراحی کرده بودند. این اثر هنری که بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها داشت، مورد توجه مسئولان میراث فرهنگی قرار گرفت.

«برافراشتن» ضمن انتقاد از برگزاری پیاپی و غیراصولی نمایشگاه‌ها در کشور، گفت: برخی نمایشگاه‌ها همچون نمایشگاه مشهد که ۲۰ روز پیش برگزار شد، بدون رعایت الزامات تخصصی به هر کسی غرفه داده‌اند. این اتفاق به صنعت لطمه می‌زند. پیشنهاد ما این است که نمایشگاه‌ها فقط در شهرهایی با ظرفیت تولید بالا مثل تهران، اصفهان، یزد، تبریز و مشهد، آن هم سالی دو بار و کاملاً تخصصی برگزار شود؛ همان کاری که کشورهای ایتالیا، ترکیه و هنگ‌کنگ می‌کنند. این موارد شرایط به سمتی برود که بتوان نمایشگاه‌های واقعی و با مشارکت همه کشورها برگزار کرده و از این پراکندگی و موازی‌کاری بهره‌یزد.

شد که کاهش ۲۰۰ هزار تومانی را نسبت به ابتدای هفته نشان می‌دهد. همچنین حبس اسکله در طول هفته با ۸۰۰ هزار تومان کاهش به ۹ میلیون و ۳۵۰ هزار تومان رسید. رئیس اتحادیه طلا و جواهر تهران با اشاره به تردید مردم برای خرید طلا و سکه به تعویق انداختن معاملات و به سبب اطمینان به آینده بازار، افزود: متأسفانه با وجود اینکه وارد سومین ماه سال شدیم، اما بازار همچنان در وضعیت رکود قرار دارد و مردم هنوز تمایلی به خرید یا فروش مصنوعات طلا یا سکه ندارند. ثبات قیمت‌ها باعث شده برخی تصور کنند این کاهش موقتی است یا ممکن است قیمت‌ها باز هم افت کند یا بالعکس، افزایشی شود. بنابراین نسبت به تگه داشته و معاملات خود را متوقف کرده‌اند اما تجربه نشان داده پس از ثباتی دو ماهه در بازار، نگرانی از بابت نوسانات کاهش پیدا می‌کند. بنابراین به هوطنان توصیه می‌کنم با اطمینان خاطر، خرید و فروش طلا و سکه را انجام دهند. این کاهش قیمت که تا حدی غیرمنتظره بود، فرصت مناسبی برای معاملات امن و مطمئن فراهم کرده است.

او همچنین برگزاری هجدهمین نمایشگاه طلا، فلزات گرانبها، ماشین آلات و صنایع وابسته از ۳۱ اردیبهشت تا سوم خرداد در اصفهان را یک رویداد کاملاً تخصصی و فنی خواند و گفت: اصفهان از معدود شهرهایی است که نمایشگاه آن به صورت تخصصی برگزار می شود و استانداردهای بین المللی کاملاً در آن رعایت می شود؛ درحالی که

حمایت از کارمندان: حلقه گمشده موفقیت کسب و کارها



نویسنده: علی آل علی

در دنیای رقابتی کسب و کار که روز به روز پیچیده تر و بی ثبات تر می شود، حمایت از کارمندان دیگر یک گزینه لوکس یا انتخاب ثانویه نیست. امروزه کارمندان نقشی حیاتی در پایداری، نوآوری و کیفیت برندها دارند. در حقیقت برندهایی که تنها مشتری مداری را اصل قرار می دهند و چشم بر نیازهای کارکنان می بندند، در بلندمدت خود را از پایگاه اصلی ارزش آفرینی شان محروم می کنند. کارمندان نیازمند حمایتند، همان گونه که مشتریان به خدمات یا محصولات با کیفیت نیاز دارند، اما این حمایت دقیقا به چه معناست و چگونه می توان آن را ساختار سازمانی نهادینه کرد؟

در بسیاری از سازمان ها مدیران و رهبران برند هنوز تصور می کنند انگیزه کارمندان صرفا به پاداش مالی یا ارتقای شغلی گره خورده است، اما حقیقت آن است که کارکنان بیش از هر چیز به احساس دیده و شنیده شدن و مهم بودن نیاز دارند. فقدان این مولفه های انسانی می تواند کارمندی را مهارت بالا و تعهد حرفه ای را به نقطه ای از بی تفاوتی برساند که خروج از سازمان، نه یک تصمیم سخت، بلکه تنها انتخاب منطقی او باشد. بنابراین مسئله حمایت از کارمندان دیگر موضوعی احساسی نیست؛ این مسئله به طور مستقیم با آینده سازمان و برند گره خورده است.

از طرفی دیگر بسیاری از برندها در سال های اخیر فهمیده اند که تجربه درون سازمانی کارمندان به اندازه تجربه مشتریان در بازار اهمیت دارد. تجربه ای منفی از محیط کار می تواند به سرعت در شبکه های اجتماعی، گفت و گوهای دوستانه یا حتی گفت و گوهای شغلی آینده منتشر شود. همان گونه که مشتریان برندها را به دلیل تجربه بد ترسک می کنند، کارمندان هم همین رفتار را از خود نشان می دهند، اما در اینجا یک تفاوت کلیدی وجود دارد: کارمندان بر روند خلق تجربه مشتری هم تأثیر می گذارند.

اگر از خود می پرسید که چطور می توان به چنین سطحی از حمایت رسید، نگران نباشید. در ادامه، ابتدا به بررسی مهمترین مزایای حمایت از کارمندان می پردازیم؛ مزایایی که هم در کوتاه مدت و هم در بلندمدت به نفع سازمان خواهند بود. سپس سراغ روش هایی می رویم که به کمک آنها می توان این حمایت را به شکلی هدفمند، پایدار و قابل اندازه گیری پیاده سازی کرد. آماده اید؟ پس برویم سراغ اصل ماجرا.

چرا حمایت از کارمندان مهم است؟

مزیت اول: افزایش وفاداری کارکنان

وقتی سازمانی به طور جدی و نظام مند از کارمندان خود حمایت می کند، اولین و شاید مهمترین نتیجه آن افزایش وفاداری است. کارمندان احساس می کنند که در این مجموعه صرفا به عنوان چرخ دنده هایی در خدمت تولید سود دیده نمی شوند، بلکه نقش انسانی، فکری و اجتماعی آنها هم در نظر گرفته می شود. این احساس درونی که «من برای این سازمان مهم هستم» نه تنها رضایت شغلی را بالا می برد، بلکه کارمند را در تصمیم گیری های آینده درباره ماندن یا رفتن مردد نمی گذارد. وفاداری، به عنوان یک پیوند احساسی، از جنس تعهد است نه اجبار

و سازمان هایی که به آن دست می یابند در واقع نوعی سرمایه انسانی پایدار اندوخته اند.

در چنین شرایطی، کارمندان با اشتیاق بیشتری برای باقی ماندن در سازمان تلاش می کنند. حتی زمانی که پیشنهادهای وسوسه کننده از رقیبا دریافت می کنند، به راحتی تصمیم به ترک نمی گیرند. آنها نه تنها به جایگاه خود در سازمان افتخار می کنند، بلکه حاضرند از اعتبار شخصی شان برای دفاع از برند استفاده کنند. وفاداری این چنین چیزی است که در محیط هایی شکل می گیرد که کارمند حس کند ارزش گذاری شده، شنیده شده و مورد توجه قرار گرفته است. حمایت اصولی از کارمندان دقیقا چنین فضایی می سازد. افزایش وفاداری، در کنار تقویت انسجام تیمی، باعث کاهش نرخ ترک شغل می شود. این مسئله در دنیای امروز که استخدام و آموزش نیروهای تازه نفس هزینه بر و زمانگیر شده، اهمیت دوچندانی دارد. سازمان هایی که نیروی انسانی وفادار دارند، قادرند بر روی رشد استراتژیک متمرکز شوند، بدون آنکه همواره نگران ترک کارکنان کلیدی شان باشند. حفظ دانش سازمانی و تداوم روندهای اجرایی نیز از دیگر مزایای وفاداری پرسنل است.

وفاداری کارکنان به شکل غیرمستقیم بر تجربه مشتری نیز اثر می گذارد. کارمندانی که احساس تعلق دارند، با شور و اشتیاق به مشتریان خدمت می کنند، جزئیات را با دقت بیشتری بررسی می کنند و حتی در مواجهه با بحران ها خلاقیت بیشتری نشان می دهند. به زبان ساده، برندهایی که از کارکنان شان حمایت می کنند، در اصل در حال سرمایه گذاری روی کیفیت تجربه مشتری نیز هستند.

مزیت دوم: افزایش بهره وری و انگیزه کاری

یکی از مشهودترین نتایج حمایت سازمانی از کارمندان، افزایش انگیزه در محیط کار است. وقتی فرد احساس می کند که سازمانش حامی اوست، نگرانی های جانبی اش کمتر می شود و ذهن او برای تمرکز بر روی کار آزاد می گردد. کارمندی که دغدغه هایش شنیده و درک می شود، از نظر روانی آرامش بیشتری دارد و این آرامش زمینه ساز بهره وری بالاتر خواهد بود. حمایت می تواند در قالب مشاوره روان شناسی، ساعات کاری منعطف یا حتی بازخوردهای انسانی از سوی مدیران ظهور پیدا کند، اما در هر حالت، به افزایش انگیزه منجر خواهد شد.

کارمندانی که در چنین محیط هایی کار می کنند، با شوق بیشتری وظایف خود را انجام می دهند. به جای اینکه در طول روز منتظر پایان ساعت کاری باشند، زمان را فرصتی برای خلق ارزش می دانند. این نگاه متفاوت تنها از دل تجربه ای انسانی و مثبت از کار بیرون می آید. بهره وری در چنین شرایطی صرفا به معنای انجام سریع تر کارها نیست، بلکه شامل کیفیت تصمیم گیری، دقت در جزئیات و تمایل به یادگیری مستمر نیز می شود. سازمان هایی که محیطی حمایتی خلق می کنند، فرصت بیشتری برای رشد استعدادها در اختیار دارند. کارمندان با انگیزه بیشتر برای مشارکت در پروژه های نوآورانه اعلام آمادگی می کنند و ایده های تازه تری وارد جریان کاری می شود. این روحیه مشارکتی، به مرور فرهنگ سازمان را نیز تغییر می دهد و آن را از حالت سلسله مراتبی و محافظه کارانه به محیطی پویا و خلاقانه تبدیل می کند. در چنین

ساختاری، بهره وری نه یک فشار از بالا، بلکه یک انتخاب داوطلبانه از درون کارمند است.

از سوی دیگر، انگیزه بالا باعث کاهش خطاها و اشتباهات کاری می شود. وقتی افراد با عشق و توجه کار می کنند، توجه شان به جزئیات افزایش می یابد و مراقبت بیشتری در تحویل نتایج نهایی از خود نشان می دهند. نتیجه این فرآیند، بالا رفتن کیفیت خدمات یا محصولات نهایی برند است؛ عاملی که در نهایت به رضایت بیشتر مشتریان نیز منجر می شود. بنابراین، حمایت از کارمندان به طور غیرمستقیم، عملکرد کلی سازمان را نیز ارتقا می دهد. در یک کلام باید گفت که بهره وری بالا در کارکنان نه فقط به سود اقتصادی سازمان کمک می کند، بلکه نوعی الگو برای دیگر کارکنان نیز ایجاد می کند. کارمندان با انگیزه می توانند به عنوان رهبران غیررسمی، فضای سازمانی را تحت تأثیر قرار دهند. آنها به همکاران خود انگیزه می دهند، نقش مشاور دارند و در مواجهه با بحران ها نقش حمایتگر ایفا می کنند. همین رفتارها، به مرور سازمان را به زیست بومی از تعاملات مثبت و رشد متقابل تبدیل می کند.

مزیت سوم: کاهش تعارضات و تنش های سازمانی

یکی از فواید مهم و در عین حال کمتر شناخته شده حمایت از کارکنان کاهش تنش های سازمانی است. محیط های کاری که فاقد حمایت های انسانی هستند، به مرور زمینه ساز رقابت های ناسالم، سوء تفاهم های بی در پی و فرسودگی ذهنی کارمندان می شوند. کارمندان وقتی احساس می کنند که در موقعیت آسیب پذیری قرار دارند و کسی پشتیبان آنها نیست، شروع به دفاع از خود می کنند، حتی اگر کسی به آنها حمله نکرده باشد. این ذهنیت تدافعی، ریشه بسیاری از درگیری های بین همکاران و تیم هاست.

کاهش تنش در سازمان، به ویژه در دوران بحران، امتیاز بزرگی محسوب می شود. سازمان هایی که از درون منسجم و آرام هستند، در برابر بحران های بیرونی مقاوم ترند. این آرامش درونی حاصل نمی شود مگر آنکه مدیران و ساختارهای سازمانی، به شکل فعال از کارکنان شان پشتیبانی کرده باشند. چنین پشتیبانی هایی ممکن است در قالب جلسات بازخورد صمیمی، ابزارهای گزارش دهی بی نام، یا سیاست های مشخص حمایت از سلامت روانی و اجتماعی کارکنان اجرا شود.

به علاوه، کاهش تنش های سازمانی، میزان استفادهای ناشی از فرسودگی یا اختلالات داخلی را پایین می آورد. سازمان هایی که تنش کمتری دارند، کارکنان با سابقه تری هم دارند. این تداوم در منابع انسانی، به حفظ دانش سازمانی کمک می کند و تیم ها را به بلوغ حرفه ای می رساند. کارمندان می آموزند چگونه در فضای همدلانه، اختلاف نظرهای خود را بدون تنش بیان کنند؛ مهارتی که در بسیاری از فرهنگ های کاری غایب است. بی شک آرامش درون سازمانی اثرات بیرونی نیز دارد. مشتریان، تأمین کنندگان و دیگر ذی نفعان هم از تعامل با سازمان هایی لذت می برند که کارکنان شان با آرامش، ادب و همدلی رفتار می کنند. این چهره انسانی برند، در عصر شفافیت و ارتباط مستقیم، از همیشه مهمتر شده است. بنابراین، سرمایه گذاری بر حمایت از کارکنان، تنها به داخل سازمان محدود نمی شود، بلکه برند را از درون به بیرون تقویت می کند.

حمایت از کارمندان: انجام درست ماموریت

مدیریتی

گفت وگو مستمر و سیاست درهای باز

اولین و بنیادی ترین راه حمایت از کارمندان ایجاد فرصت هایی برای گفت وگو و شنیده شدن است. بسیاری از سازمان ها گمان می کنند اگر مزایای مالی مناسبی فراهم کرده باشند، دیگر نیازی به ارتباطات انسانی نیست، اما واقعیت این است که اغلب تنش ها، فرسودگی ها و بی انگیزگی ها از جایی شروع می شوند که کارمندان احساس می کنند صدای شان شنیده نمی شود. سیاست «درهای باز» به این معناست که کارمند بتواند به سادگی و بدون ترس، با مدیران وارد گفت وگو شود و مسائل، دغدغه ها یا حتی ایده هایش را مطرح کند.

این سیاست فراتر از جلسات رسمی یا صندوق های پیشنهادات عمل می کند. مدیرانی که به صورت روزمره به گفت وگو با اعضای تیم شان می پردازند، نه تنها زودتر متوجه بحران های پنهان می شوند، بلکه اعتماد عمومی را نیز تقویت می کنند. اعتماد یعنی اینکه کارمند، مدیر را نه به عنوان ناظر و داور، بلکه به عنوان همکار و پشتیبان ببیند. همین تغییر نگاه، فضای ارتباطی تیم را از کنترل گرای به مشارکت فعالانه تبدیل می کند.

سیاست درهای باز همچنین فرصت بازخوردهای چندسویه را فراهم می سازد. یعنی کارمندان هم بتوانند درباره عملکرد مدیران اظهار نظر کنند، بدون آنکه ترسی

از قضاوت یا تلافی داشته باشند. این چرخه بازخورد دوطرفه، روابط درون سازمانی را انسانی تر و حرفه ای تر می کند. کارمندی که احساس کند نظرش مؤثر است، برای حل مسائل داوطلبانه قدم برمی دارد و این روحیه، باعث پیشبرد پروژه ها و رشد تیمی می شود.

در شرایط بحرانی مثل تعدیل نیرو، تغییر ساختار یا فشارهای بیرونی نیز گفت وگو ی مستمر کارایی خود را نشان می دهد. شفافیت و ارتباط انسانی، نگرانی ها را کاهش می دهد و کارمندان را آماده می کند تا در کنار یکدیگر، با بحران روبه رو شوند. در مقابل، قطع ارتباط و پنهان کاری باعث رواج شایعه، اضطراب و بی اعتمادی می شود؛ عواملی که به سرعت بهره وری را کاهش می دهند و فرهنگ سازمانی را فرسایش می دهند. بنابراین گفت وگو ی فعالانه نه تنها یک ابزار مدیریتی، بلکه یک بستر روانی برای حمایت از کارمندان است. سیاست درهای باز، کارمند را از حالت ابزاری به یک موجود زنده، دارای نیاز، نگرانی، هدف و ایده تبدیل می کند. همین دگرگونی بنیادین، رمز موفقیت برندهایی است که نه فقط مشتری محور، بلکه کارمندمحور هم هستند.

طراحی مسیر رشد شغلی

هیچ چیزی به اندازه نبود آینده شغلی مشخص، نمی تواند کارکنان را از نظر روانی فرسوده کند. کارمندی که نداند پنج سال بعد کجاست، چرا باید برای رشد شرکت انسرژی بگذارد؟ حمایت اصولی از کارمندان یعنی برای هر فرد، براساس تخصص و علاقه مندی، مسیری از پیشرفت ترسیم شود. این مسیر لزوما نباید به معنای ارتقای مقام باشد؛ گاهی رشد تخصصی یا یادگیری مهارت های تازه، بیش از تغییر عنوان شغلی رضایت بخش است.

برندهایی که برای کارکنان خود برنامه های آموزشی، فرصت های یادگیری، مربی گری و ارتقای مسئولیت تعریف می کنند، پیام واضحی می فرستند: «تو برای ما مهمی، و آینده ات را می بینیم.» همین حس دیده شدن، کارمندان را به سازمان متعهد می کند. آنها دیگر صرفا برای دریافت حقوق کار نمی کنند، بلکه خود را بخشی از آینده برند می دانند.

طراحی مسیر رشد باید واقعی، دست یافتنی و قابل پیگیری باشد. برنامه هایی که صرفا روی کاغذ نوشته شده اند یا در عمل غیرقابل تحقق اند، نه تنها حمایتی نیستند، بلکه باعث سرخوردگی بیشتر می شوند. بنابراین، تیم منابع انسانی باید با هر کارمند گفت وگو کند، علاقه مندی ها و توانایی ها او را بشناسد و مسیر رشدی که همسو با استراتژی سازمان باشد، پیشنهاد دهد. این تعامل دوسویه، اعتماد میان سازمان و کارمند را تقویت می کند.

یکی از اثرات مهم این مسیر رشد، افزایش انگیزه یادگیری است. کارمندان وقتی ببینند رشدشان وابسته به یادگیری مهارت های تازه است، با میل بیشتری در دوره های آموزشی شرکت می کنند. این رشد فردی، به شکل مستقیم در کیفیت محصولات، خدمات و ارتباط با مشتریان تأثیر می گذارد. به عبارتی، حمایت از کارمند در سطح فردی، به حمایت از برند در سطح کلان می انجامد. در مجموع، حمایت از کارمندان بدون ترسیم مسیر مشخص برای آینده آنها، ناتمام خواهد بود. سازمان باید مانند یک راهنما در کنار کارمند بایستد، نه بالای سرش. این همراهی، برند را به بستری برای شکوفایی استعدادها تبدیل می کند؛ محیطی که در آن انسان، رشد می کند، می آموزد و در عین حال، به ساختن برند کمک می کند.

انعطاف پذیری در برنامه کاری

در دنیایی که مرز بین خانه و محل کار روزبه روز کمرنگ تر می شود، یکی از حمایتگرانه ترین کارهایی که یک سازمان می تواند انجام دهد، ایجاد انعطاف پذیری در زمان و مکان کار است. بسیاری از کارمندان به دلایل خانوادگی، سلامتی یا حتی نوع شخصیت شان بازدهی بهتری در ساعات خاصی از روز یا در محیطی متفاوت از دفتر دارند. الزام به حضور فیزیکی و پابندی خشک به ساعت کاری، نه تنها از کیفیت کار می کاهد، بلکه نوعی بی اعتمادی نسبت به کارمند القا می کند که فضای روانی نامطلوبی را پدید می آورد.

افزون بر آن، انعطاف پذیری در برنامه کاری یک پیام مهم به کارمند مخابره می کند: «زندگی تو خارج از کار هم مهم است.» این پیام، بخصوص در نسل های جدید که بیشتر از نسل های قبلی به تعادل بین زندگی کاری و شخصی اهمیت می دهند، نقش حیاتی دارد. کارمندانی که وقت بیشتری برای خانواده، ورزش، تفریح یا رسیدگی به امور شخصی دارند، از نظر ذهنی آماده تر، خلاق تر و وفادارتر به برند خواهند بود. بنابراین، انعطاف پذیری در ظاهر یک امتیاز ساده است، اما در عمل، یک سرمایه گذاری بلندمدت در سلامت روان کارکنان و پایداری سازمان است. البته پیاده سازی این نوع سیاست نیاز به سیستم مدیریتی دقیق

دارد. سیستم های پایش عملکرد، ارتباطات آنلاین مؤثر و فرهنگ خودمدیریتی باید به موازات انعطاف پذیری رشد کنند. اگر نه، این آزادی ممکن است به سردرگمی، کاهش شفافیت یا بی نظمی بینجامد، اما برندهایی که با دقت به این چالش ها پاسخ می دهند، می توانند ترکیبی بی نظیر از آزادی فردی و بهره وری سازمانی ایجاد کنند؛ ترکیبی که هم کارکنان را راضی نگه می دارد و هم رشد برند را تسریع می کند.

باور کنید یا نه، انعطاف پذیری یک امتیاز تجمعاتی نیست، بلکه یک ضرورت مدیریتی در دنیای متغیر امروز است. برندهایی که زودتر این ضرورت را درک کنند، در جذب و حفظ استعدادهای برتر موفق تر عمل خواهند کرد. حمایت از کارمند فقط با پرداخت حقوق یا پاداش شکل نمی گیرد؛ گاهی فقط کافی است اجازه دهید او در زمان و فضای که برایش مناسب تر است، بدرخشد.

به رسمیت شناختن موفقیت ها و قدردانی واقعی
در بسیاری از سازمان ها کارمندان خوب فقط وقتی دیده می شوند که اشتباهی رخ دهد، اما فرهنگ قدردانی واقعی و نظام مند یکی از حیاتی ترین روش های حمایت روانی از کارکنان است. تصور کنید عضوی از تیم با تعهد فراوان، کار بزرگی را به سرانجام رسانده و تمام سازمان در سکوت از کنارش گذشته است. این تجربه نه تنها انگیزه را از بین می برد، بلکه کارمند را به این نتیجه می رساند که تلاش شان دیده نمی شود، پس ضرورتی به ادامه آن نیست.

قدردانی باید به موقع، شخصی سازی شده و صادقانه باشد. پیام های عمومی و کلیشه ای مثل «از زحمات شما متشکریم» بدون توجه به جزئیات کار انجام شده، نه تنها انگیزه بخش نیستند، بلکه گاهی حتی ریاکارانه به نظر می رسند. مدیرانی که دقیقا اشاره می کنند به چه دلیل از چه کسی قدردانی می کنند، زمینه ساز فرهنگ مشارکت و رقابت سالم می شوند. کارمند وقتی می بیند تلاشش با دقت دیده و با احترام قدردانی شده، میل به تکرار آن رفتار پیدا می کند. البته قدردانی صرفا معنای پاداش مالی ندارد. گاهی یک نامه رسمی، یک معرفی در جلسه عمومی یا حتی یک پیام شخصی در لحظه مناسب، به اندازه چند میلیون تومان تأثیرگذار است. مهم این است که فرد احساس کند ارزش آفرینی اش بی پاسخ نمانده. برندهایی که به طور پیوسته این فرهنگ را نهادینه کرده اند، شاهد فضای مثبت، تعامل بالا و همدلی بیشتری در تیم های خود هستند.

قدردانی همچنین به صورت ساختاری نیز می تواند در قالب جشن های سالانه، مسابقات داخلی، اعطای لوح تقدیر یا حتی معرفی در رسانه های سازمانی انجام شود. این برنامه ها اگر با روحیه انسانی و بدون تشریفات زائد انجام شوند، می توانند به بستری برای تشویق استعدادها و الهام بخشی به دیگران تبدیل شوند. در واقع، قدردانی درست نوعی انتقال تجربه مثبت است که در بلندمدت، تبدیل به فرهنگ می شود. سازمانی که قدردانی را به رسمیت می شناسد، در اصل حمایت روانی عمیقی از کارمندان خود انجام می دهد. این حمایت، هم در لحظه عمل می کند، هم آینده نگر است؛ چراکه کارمندی که حس کند موفقیت هایش نادیده نمی ماند، نه تنها وفادارتر می شود، بلکه تلاش می کند به دیگران نیز انگیزه پدهد و این دقیقا نقطه ای است که برند، به جای صرفا یک سازمان، تبدیل به یک جامعه انسانی پویا می شود.

سخن پایانی

فرهنگ حمایت از کارمندان، پدیده ای فانتزی یا تزئینی برای صفحات گزارش نیست. این فرهنگ، عنصر حیاتی دوام، نوآوری و وفاداری در عصر جدید است. برندهایی که در این مسیر سرمایه گذاری نمی کنند، دیر یا زود با فرسایش نیروی انسانی، کاهش بهره وری، خروج استعدادها و ریزش اعتبار در بازار مواجه خواهند شد. در مقابل، سازمان هایی که به کارکنان خود اعتماد، گوش دادن و فرصت رشد می دهند، خود به فضایی تبدیل می شوند که بهترین ها آرزوی کار در آن را دارند.

امروز بیش از هر زمان دیگری، کارمندان به عنوان سفیران برند شناخته می شوند. حمایت از آنها، نه تنها یک وظیفه انسانی و اخلاقی است، بلکه یک راهبرد هوشمندانه برای ساختن آینده ای مطمئن، پرنرژ و پیشرو در فضای رقابتی است. برندهایی که این حقیقت ساده اما عمیق را درک کنند، آینده را نه با بیم، بلکه با امید و اطمینان خواهند ساخت.

منابع:

https://www.activtrak.com/blog/support-ing-employees-in-the-workplace
https://peopleworkingwellbc.ca/learning-hub/other-sectors/supporting-staff-during-challenging-times